

در ماه‌هایی هم که عایدات گمرک کسر داشته در ماه‌های بعد حساب کرده اند و برداشته اند بنابراین بنده تصور میکنم باید بوزارت امور خارجه و وزارت مالیه رجوع شود تا تنه این اطلاعات بدست بیاید .
وزرائی که در این موضوع مذاکرات می کردند دو نفرشان فوت کرده اند و دو نفرشان حیات دارند . .

است .

فهم الملک — در قسم اول
آقای حاج محشم السلطنه وزیر مالیه بودند
و آقای معاون السلوا وزیر خارجه در قسم
دوم آقای امیر نظام وزیر مالیه و آقای حاج
محشم السلطنه وزیر خارجه بودند اگر از
خود این آقایان که هستند تحقیق بشود
شاید توضیحاتی بدهند و دوسیه‌ها شاید این
مطلب را واضح نمیکند و بنده اطلاعاتی
که در دوسیه‌ها هست ناقص و غیر کافی
است .

فرمائید ،

رئیس - این مطلب کہ جزو دستور

حاج شیخ اسد اللہ۔ باید جواب این
اكرات داده شود،

رئیس — جواب از طرف کمیسیون
دجه می شود .

سپهسالار السلطان (منشی کمسیون
بودجه) — از روی دوسیه های وزارت
خارج و وزارت مالیه که در کمسیون
تکامل شده معلوم شد اساس این مسئله
سراشور یوم قرارداد شده است و مطابق
اتفاقی که بین دولت ایران و دولتین روس
وانگلیس مبادله شده دوسیه ها بود اساس این
مسئله بر روی سراشور یوم قرار گرفته و
بین روس و انگلیس مبادله شده و در دوسیه
بود اساس این مسئله بر روی سراشور یوم
قرار گرفته و دولتین روس و انگلیس عنوان
سراشور یوم را قبول کرده اند منتفی در ضمن
دادند همراه تا مبلغ سی هزار لیره
و چنانچه عرض کردم راجع به حساب
لیره بوزارت مالیه رجوع شده که در آن
ها رسیدگی کنند و نتیجه تحقیقاتشان
کمسیون بودجه اظهار دارند و عقیده
اینست که بایستی صبر کرد تا رسیدگی

کامل بشود و راهبرد صحیحی بکسیون
داده شود و پس از آن بمجلس بیاید تا هر طور
مقتضی است رفتار شود.
رئیس - این موضوع بالفعل تعقیب
نمی شود .
آقای مدرس .

(اجازہ)

ملکوتی - دیشب و پریشب یک قسمتی از شب را بمطالعه این کتاب شهریه ها گذراندم و لازم شد در اینجا هرا یضی بکنم چون در این مدتی که مریض بودم بعضی اوقات لوا یحی را از مجلس می آوردند و مطالعه می نمودم در این کتابچه هم بعضی شهریه ها دیدم که لازم می دانم این را عرض بکنم که عایدات مملکت ما اولایا باید بمصارف خدمت برسد یعنی هر کس به مملکت خدمت میکند مزد بگیرد و این مسئله را باید اهمیت داد که کسی پول بلاعوض و مجانی نگیرد ولی یکمشت از فقرا شاید بمنابین مختلفه از سابق تا حال یک مبلغی می برده اند و ما امکان نمی توان قطع کرد.

عقیده شخص بنده اینست که آنچه
متعلق بغير فقراست باید بالاستثناء قطع
گردد .

بنام عالی هذا این يك مسئله نیست که
يك دلیل و برهانی بخواهد برهانش باخودش
است و همانطور که قبلا هم عرض کرده ام
یول عموم باید خرج عموم بشود و کسی که
خدمت عموم میکند بهر صیغه و هر وضع باشد
باید مزد خدمت خدمت خود را از عموم بگیرد
و نسبت بگذشته آنچه گرفته اند چاره نداریم
لیکن نسبت بآتی عرض بنده اینست که باید
اعمال آرد تا به بیشم بودجه عایدات مملکتی
که کجا میرسد اگر انشاء الله موفق شدیم و
عایدات مملکت بقدر مخارج خدمتگذاران
ملک شد چون یکسره از فقرا مدتی از
این راه معاش میکردند آنوقت البته
قایان رای می دهند بفقره (آنهم نه بخصوص
راه طهران بلکه هر جا هست نسبت به محل
بودش) مبلغی بدهند (نه اینکه پول شیراز
یا یاوریم بفقرای اینجا بدهیم و یول تبریز
بفقرای جای دیگر بدهیم) آنهم ترتیبی
میزانی دارد مقصود اینست که باید این
کنه را مراعات کرد که دولت پیشنهادی
ند که ما برای قبولش ملجاء بشویم در
دستی که هنوز محلی برای او سراغ
داریم و با اینکه خدمتگذاران مملکت پنج
س ماه و یکسال متوقفشان نرسیده است
وقت يك پولیائی را تصویب کنیم که نمی
توانیم محل عایدی آن کجا است آیا منتهی
من میشود ،

یا اینکه منتهی باین میشود که از
دعای بگیریم و بشخص واحدی بدیم .

آقا شیخ ابراہیم زنجانی۔ اگر

منی دارم .

این مسئله را عنوان خواهند کرد حالا هم
منوط بمیل آقایان است اگر می خواهند
ممکن است مطرح مذاکره شود
(بعضی گفتند — خیر)
رئیس — جلسه آنبه روز شنبه دوازدهم
حمل . .

شیخ الاسلام احمد ربانی — اجازہ

رئیس: -- دستور را بنده عرض می‌کنم -- اگر فرمایشی دارید بعد بفرمائید دستور.

اولا لايحه قانوني راجع بماليات
مطواحين .

ثانیاً — بقیہ شور ثانی در لایحہ
الحاق آب گوهر نک بزائندہ رود ، آقای
میخ الاسلام .

(اجازہ)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده
 بعضی از آقایان هم عرض کرده ام که چون
 با اغلب از آقایان تشریف می آورند
 و ب است بقدر نیم ساعت جلسه را تشکیل
 دهند که این لایحه آب کارون تمام شود
 را اگر به بعد از عید بپشتند خیلی اسباب
 خیر کار و زحمت خواهد شد

رئیس - رای می گیریم پیشنهاد
ای شیخ الاسلام راجع بجلسه فردا که
فرمایند بطور فوق العاده تشکیل شود.
سایمان میوزا - اجازه می فرماید.
رئیس - بفرماید.

سایه بان میرزا — بنده موافق
تم فردا که سهل است دوشنبه هم جلسه بشود
اگر چه زیادتر جلسه داشته باشیم بهتر
ت و منتهی آمال ما است.

اگر جلسه فردا منحصر باشد بآب و نون چندان فایده ندارد خوب است بطور و مطلق گرفته شود که روز یکشنبه ی جلسه داشته باشیم که هم مذاکره لایحه الحاق آب کارون باشد و هم قسمت دیگر از کارها برسیم که شاید کاری کرده باشیم و یک قدمی جلوتره

رئیس غیر از لایحه که اظهار کردند
بگری حاضر نیست که بتوان فردا
حاضر شده قرار داده لوایح زیادی در
بیون ماله هست ولی هنوز راپورتش
نشده علاوه بر این راپورتهایی از
بیون بودجه رسیده که در تحت طبع
ولی برای پرداخت نخواهد داد با
این بسته برای آقایان است آقای
شیخ اسدالله راجع باین مطلب است؟

حاج شیخ اسدالله بنده راجع به
ش آقای سلیمان میرزا عرض داشتم
ی رئیس جواب فرمودند

رئیس --- آقای محمد هاشم
(اجازد)

محمد هاشم میرزا - بنده خواستم
کنم که چاسه روز سه شنبه هشتم

حمل باشد بهتر است زیرا بعضی مطالب تا آنوقت حاضر می شود و ممکن است مذاکره شود

رئیس - فعلاً راجع بجلسه فردا مذاکره می شود

آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - راجع باصل

دستور عرض داشت
رئیس - آقای حائری زاده راجع باین موضوع است

حائری زاده - راپورت کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات قریب بیست روز است در مجلس معطل مانده خواستم عرض کنم آن راه جزو دستور قرار دهند ،
رئیس - راپورت رایس گرفته اند رای میگیریم برای جلسه فردا آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد کردم روز سه شنبه هفتم حمل جلسه باشد ،
رئیس - دو پیشنهاد است یکی هشتم حمل و یکی دوازدهم رای می گیریم به هشتم حمل آقایانی که تصویب میکنند جلسه آتی هفتم حمل باشد قیام فرمایند
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

تصویب شد جلسه آتی هفتم روز سه شنبه هشتم حمل و دستور هم اولاً لایحه قانونی راجع بلاجه طواغین ثانیاً بقیه شورانی در لایحه که آقا شیخ الاسلام اظهار کردند البته کمیسیون بودجه و قوانین مالییه فردا و پس فردا را تعطیل نخواهند فرمود بنده گمان می کنم بهتر این است که این دو کمیسیون از روز ششم حمل مشغول کار بشوند (مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتاد و دوم

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۲۸ شهر رجب ۱۳۴۰ مطابق هفتم حمل ۱۳۰۱

مجلس دوساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای موتن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم شنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۰ قرائت شد)

رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس اعتراضی نباشد. آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - آقای فتح الدوله در جلسه قبل مریض بودند و در اینجا اسمشان جزو رخصی نوشته نشده است

رئیس - اطلاع نداده بودند
فتح الدوله - بنده اطلاع داده بودم
رئیس - چنانچه اطلاع داده اید اصلاح می شود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این یک فقره اصلاح تصویب شده راپورت کمیسیون فوائد عامه راجع بالعاق آب کوهرنگ بزیانده رود مطرح است ماده دوم مراجعه شده بود بکمیسیون و اصلاحاتی در آن کرده اند قرائت

می شود و رای می گیریم

(آقای سهام السلطان ماده دوم

را بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ۲ - دو بیست هزار تومان از مبلغ مزبور را وزارت مالیه از اهالی آبخور زاینده رود استقراض نموده بعد از جریان و الحاق آب کوهرنگ بزیانده رود در ظرف مدت پانزده سال با قسط مساوی از محل مالیات اصفهان بقرض دهندگان مسترد خواهد داشت و یکمصد هزار تومان آن بلاعوض بعهده خود قرض دهندگان خواهد بود و در صورت عدم موفقیت کلیه سبصد هزار تومان بعهده قرض دهندگان بوده و بدولت وجهی تعلق نخواهد گرفت
رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - اگر آقای مخبر

قبول بفرمایند بنده يك كلمه اصلاح را در اینجا تقاضا دارم و آن كلمه این است که در موضوع دو بیست هزار تومان اگر عنوان قرض باشد موضوع ندارد که در عهده دولت تعلق بگیرد پس بهتر این است که نوشته شود بر حسب تقاضای اهالی یعنی اهالی خودشان قبول کرده اند که اگر آب کوهرنگ بزیانده رود ملحق نشد دولت ملزم بتأدیه نباشد

رئیس - آقای کروی (اجازه)

آقای شیخ محمد حسن کروی

در جمله اخیر این ماده که نوشته است در صورت عدم موفقیت تأدیه کلیه سبصد هزار تومان بعهده اهالی است و بدولت وجهی تعلق نخواهد گرفت تصور می کنم اینجا رعایت صلاح اندیشی نسبت بملاکین اطراف زاینده رود نشده است و آنچه بکرات اینجا گفته شد (که خود آنها داوطلب شده اند) بنده این را نمی توانم تصدیق کنم برای خاطر اینکه جمعی بعنوان نمایندگان یا از راه داوطلبی همچو تقاضائی کرده اند و شبهه نیست که بعضی صلاح اندیشی اهالی محل و اصلاح اندیشی دولت بوده که در صورت الحاق اسباب ترابذ عایدی دولت و ملاکین خواهد شد در این هم حرفی نیست ولی مسلم است آن اشخاصی که این تقاضا را کرده اند خودشان تمام این پول را نخواهند داد و اشخاص دیگر را با خود شرکت خواهند داد چه بسا اشخاصی هستند که منفعت فعلی را هیچ مقایسه نکنند با منفعت مالی و لذا تصور می کنم این جا بهمان نظری که نوشته شده است در صورت موفقیت یعنی پس از جریان آب و حصول نتیجه دولت دولت از سبصد هزار تومان را در مدت پانزده سال بصاحبان پول بپردازد و بهمان نظرم باید در صورت عدم موفقیت با مالکین آبخور زاینده رود شرکت نماید
مخبر - می فرمایند که كلمه قرض با این جمله اخیر که ذکر شده است در صورت

عدم موفقیت بعهده اهالی است موافقت ندارد بنده عرض می کنم همانطور که گفته شد این تقاضا از طرف خود اهالی شده است و منتهی آمال و آرزوی اهالی این بوده است که دولت قبول کند که اگر آب ملحق شد دو بیست هزار تومان از این سبصد هزار تومان را در مدت پانزده سال رعایتاً بآنها بپردازد باز هم مریض خود را تکرار میکنم که اهالی حاضر هستند در صورتیکه دولت هم با آنها مساعدت و شرکت نکند کلیه سبصد هزار تومان را خودشان با کمال اشتیاق بدهند که آب کوهرنگ بزیانده رود ملحق شود با این حال این دقت نظرهایی که ما می خواهیم در اطراف این قضیه بکنیم (مثل آقای کروی که می فرمایند شاید آنها بخواهند از کسان دیگر استقراض کنند) گمان می کنم لازم نباشد و البته مردم عاقلند و هیچوقت نمی آیند نسنجیده و نفهمیده پول خودشان را هدر بدهند بلکه گمان نمی کنم يك چنین مردمی در تمام دنیا هم وجود داشته باشند خصوصاً اهالی اصفهان که خیلی عاقلتر و داناتر هستند و البته اگر اطراف کار را ملاحظه نکرده بودند همچو تقاضائی نمی کردند فرمودند شاید جمعی داوطلبانه آمده اند و این تقاضا را کرده اند

عرض می کنم این تقاضا از طرف ملاکین اطراف زاینده رود شده است که قبلاً مجامع و مذاکراتی داشته اند منحصر بامروز نیست مدتهاست این مطلب مطرح است نه اینکه خود سرانه آمده باشند از روی هوی و هوس يك همچو پیشنهادی بضرر اهالی اصفهان کرده باشند

و اگر تصور می فرمایند که دولت اهالی را مجبور کرده است برای دادن قرض بنده اطمینان می دهم که نه دولت و نه مجلس این نظریه را ندارند که بطور اجبار اهانه بگیرند یا اجباراً استقراض نمایند

ما می گوئیم اگر اهالی باینطور مایل هستند وزارت فوائد عامه هم آن پولها را بگیرد و این خرج را بکند و اگر مایل نیستند آنها بخیر و ما سلامت دیگر دعوائی نداریم

رئیس - آقای حائری زاده گویا مخالف هستند

حائری زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - آقای مخبر فرمودند اهالی اصفهان خودشان تقاضا کرده اند که این دو بیست هزار تومان را بعنوان قرض و صد هزار تومان هم بعنوان اعانه می دهم نمی دانم آقا درست اطلاع ندارند که تقریباً دو ثلث از اهالی اصفهان از آب زاینده رود استفاده می کنند و عده ای که این تقاضا را کرده اند شاید ده یا بیست یا

صد یا پانصده نفر باشند

حالا باید فهمید که آیا این اشخاص ولایت بر دیگران داشتند که این پول را قرض بدهند و يك ثلثش را اعانه بدهند و اگر آب جاری نشد و برای آنها عایدانی پیدا نشد و ضرر هم کردند تمام پول را خودشان بدهند

من عقیده ندارم مایک قانونی را تصویب کنیم که فردا مأمورین مالیه در اصفهان بعنوان اعانه و استقراض با اهالی تعاملاتی وارد آورند

من خیلی مسرورم که اهالی اصفهان حاضر شده اند يك پولی بدولت قرض بدهند ولی این که ما بیائیم و صد هزار تومان آن را بعنوان اعانه از آنها بخواهیم و شرط بکنیم که اگر این خرج را کردند و نتیجه حاصل نشد تمام مخارج بر رها یا تحمیل شود و دیگر مردم جرئت نکنند بدولت قرض بدهند

بنده این مطلب را صحیح میدانم و عقیده دارم که تمام این پول را دولت بعنوان قرض از اهالی بگیرد و اگر نتیجه حاصل شد یا نشد در هر دو صورت پول حضرات را پس بدهند

و اینکه مذاکره شد خود اهالی میل دارند اعانه بدهند ممکن است باین ماده ضمیمه شود که هر کس خواست مبلغی بدولت اعانه بدهد دولت با کمال امتنان می پذیرد نه اینکه محدود بکنیم که سبصد هزار تومان برای مخارج این کار لازم است دو بیست هزار تومان آن را دولت به عنوان قرض و صد هزار تومان آن را به عنوان اعانه می پذیرد این يك تعمیلی است که ما بر اهالی می کنیم

بلی اگر این تقاضا از طرف صد یا پانصده نفری بود که فقط آن اشخاص از این آب استفاده می کردند و خودشان به ضرر خودشان راضی بودند این امری بود علی حده ولی تقریباً دو بیست هزار نفر از این آب استفاده می کنند و يك عده قلیلی از آنها این تقاضا را کرده اند ما نمی توانیم این مبلغ را بر تمام اهالی تحمیل کنیم و آنها را محکوم کنیم باین که چون يك عده از شما این تقاضا را کرده اند لذا تمام شما باید این ضرر را بعهده دار شوید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بعضی قانونها سابقاً بمجلس پیشنهاد می شد آن وقت از کثرت پیشنهاد های مختلفه عاقبت آن قانون نسخ می شد و گاه بود که شخص در اول موافق بود و در آخر مخالف می شد این مطلب خیلی صاف و بی اشکال است

اهالی اصفهان يك تقاضائی کرده اند (فرضاً يك نفر از اهالی اصفهان تقاضا کرده است) که این طور بکنند ما حاضر هستیم که این سبصد هزار تومان را خرج کنیم اول خواش اهالی اصفهان این بود که

دویست هزار تومان بدولت قرض بدهند و دولت در ظرف پانزده سال از مالیات آنها کم بگذارد کم کم بطوری مطلب معکوس شده است که تصور می فرمایند اهالی اصفهان می خواهند بدولت اعانه بدهند یا دولت می خواهد از اهالی اعانه اجباری بگیرد خیر ابدأ چنین نیست اهالی اصفهان از دولت تقاضا کرده اند که دویست هزار تومان با آنها مساعدت کند و بآنها اعانه بدهد که این آبرو ملحق کند واسباب آبادی فراهم آورند.

بعلاوه هنوز پولی گرفته نشده و حکمی کرده نشده که می فرمایند ما معکومشان کنیم کجا معکومشان کرده ایم از اول این لایحه تا آخرش چاپ می شود و برای تمام اهالی علنی خوانده می شود هر کس میل دارد خواهد داد و شرکت خواهد کرد و هر کس میل ندارد شرکت نمی کند من نمی دانم در کجای این لایحه نوشته شده که باید با اجبار از آنها گرفت یا هر کس از آن می برد حتماً باید پول را بدهد ابدأ اجباری در بین نیست.

هر کدام از رعایا و زارعین و ملاکین میل داشتند در این امر خیر شرکت می کنند و اگر هم این کار خانه پیدا نکرد و انتفاعی نبردند پولشان از جیبشان رفته این را می بینید عالمأ عامداً یا قبول می کنید یا رد می کنید.

ابداً موضوع اجباری در بین نیست و لازم نیست ما اینقدر اشکال تراشی بکنیم این لایحه فقط اجازه نامه ایست البته هر کس میل دارد باین شرایط پول خواهد داد و اگر میل نداشت معکوم نیست شرکت بکند و از آنهم استفاده نخواهد کرد دیگر بنده نمی دانم این چیزهایی که می گویند از کجای این لایحه بیرون آمده است.

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

آقا شیخ محمد حسن گروسی

زمینه مطلب معلوم است که جمعی معض صلاح اندیشی حال خود و سایر ملاکین به دولت پیشنهاد کرده اند که چنانچه آب کوهرنگ بزیانده رود ملحق شود اسباب تزیاید عایدی اهالی محل و دولت خواهد شد زمینه مطلب این است و غیر از این چیزی نیست.

مسئلاً آنها يك ورقه ها بهری از سایر اهالی در دست ندارند که شما از طرف ما وکیل هستید و هر چه بگوئید ما قبول داریم اگر يك همچو ورقه رسیده است چرا نشان نمی دهند و اگر جمعی معض صرفه و صلاح اندیشی خودشان آمده اند و این تقاضا را می کنند ما باید در این زمینه رعایت صلاح دولت و اهالی آن محل را هم بکنیم نه اینکه بکطرف را بگیریم

و طرف دیگر را بذاك سیاه بنشانیم و این که می فرمایند دولت اعانه می دهد بچه لحاظ دولت بآنها اعانه می دهد البته برای این است که عایدی خود را اضافه بکنند بنده عرض می کنم بهمین نظر لازم است در این جا ذکر شود که در صورت عدم موفقیت هم دولت در ضرر با اهالی شریک است چون يك کاری بوده که فایده بحال هر دو طرف داشته حالا که نتیجه حاصل نشده برای هر دو طرف ضرر داشته باشد نه اینکه در منفعت دو طرف شریک باشند و در ضرر بکطرف.

بنده تصور می کنم که مایباید مراعات طرفین را بکنیم و باید این جمله اخیر از این ماده حذف شود.

رئیس - مذاکرات در ماده دو کافی است یا خیر؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - مجدداً قرائت می شود و رای میگیریم.

(مجدداً بمضمون گذشته قرائت شد)

رئیس - آقایانی که ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب آقایان نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول و سوم هم تصویب شده بود حالا مذاکرات در کلیات است. آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده ام هر وقت اجازه می فرمائید توضیح آنرا بدهم.

رئیس - بفرمائید.

محمد هاشم میرزا - از اول که این مطلب مذاکره و تقاضا شد یکی از ادله مهم آقایان این بود که این هفت بلوک که از آب زاینده رود مشروب می شوند سر بلوک آن که در انتهای رودخانه واقع است غالباً در سالهای خشک سالی آب به آنها نمیرسد و اسباب عدم وصول مالیات دولت می شود.

حتی می گفتند در سال بیست یا سی هزار تومان نقد و جنس مالیات دولت در این سه بلوک لاوصول میماند و آنطوری که آب زاینده رود در سابق تقسیم شده مطابق ترتیبی که مرحوم شیخ بهائی علیه الرحمه معین کرده است ترتیب الاقدم و الاخر بوده است که اول بلوکات مقدم رودخانه بعد باین ترتیب هر یک بطور بترتیب آب میبرند و تقریباً در بلوکات ابتدای رودخانه بقدری آب مصرف میشود که بلوکات انتهای رودخانه صیفی و شتوی نمیتوانند بکارند و بلوکات ابتدای رودخانه هم صیفی و هم شتوی زراعت میکنند.

حالا هم اگر آب کوهرنگ بزیانده رود ملحق شود بهمان ترتیب سابق تقسیم خود باز در سالهای خشک سالی ممکن است

در انتهای رودخانه همان اشکالات اول پیش بیاید و باز مالیات دولت هم لاوصول بماند باین واسطه بنده پیشنهاد کرده ام که (بعد از اینکه اجازه نامه از طرف مجلس داده شد) از طرف اهالی بلوک سبعة آبغور زاینده رود مجلسی تشکیل شود و يك ترتیبی در تقسیم آب و وجوهی که مجتهد اینکار مصرف می شود بدهند تا بلوکات واقع در انتهای رودخانه هم قدری بیشتر آب ببرند و در سال خشکسالی دچار بی آبی نشوند و آن دهاتی که از بی آبی خراب و رعایای آنها آواره شده اند مرمت شده و جبران خسارت سابقه دولت هم بشود بنده این پیشنهاد را بکمسیون دادم و سبب رد شدن آنرا نفهمیدم خوب است آقای مخبر توضیح بدهند که بچه دلیل کمسیون آنرا رد کرده است من که ضرری در این پیشنهاد نمی بینم بلکه آنرا چه برای دولت و چه برای مردم نافع میدانم

مخبر - این پیشنهاد متأسفانه در کمسیون مطرح نشد لیکن فرمایشات حضرت والا منافی با تصویب این سه ماده ندارد و بنده گمان می کنم اگر این ماده الحاقیه هم ضمیمه نشود باز منافاتی ندارد و لازم نیست که ما آنرا یکی از مواد مصوبه قرار دهیم

البته يك عده که جمع می شوند برای جمع کردن وجوه مخارج از ملاکین در تقسیم آب هم مذاکره می کنند و البته اشخاصی که می خواهند از این آب استفاده کنند بایستی بین خودشان يك ترتیبی برای تقسیم آب داده باشند بنابراین محتاج نیستیم که بیائیم آنرا یکی از مواد مصوبه قرار بدهیم.

رئیس - (خطاب بمخبر) این اصلاح و ماده الحاقیه شاهزاده محمد هاشم میرزا به کمسیون فرستاده شده بود

مخبر - بنده که ندیدم

رئیس - ماده الحاقیه که شاهزاده محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند قرائت می شود و در قابل توجه بودنش رای می گیریم.

(آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بنده پیشنهاد می کنم این ماده به راپورت کمسیون فوائد عامه اضافه شود.

مأمور دولت در اصفهان مجلسی از مطلعین و نمایندگان اهالی بلوک های هفت گانه تشکیل داده و ترتیبی برای بلوکات اخیر که غالباً دچار خشکسالی می شوند داده که آنها بیشتر از آب کارون بهره ببرند که اسباب تفرقه و عسرت رعایا و هم لاوصول منال دیوانی نشود

محمد هاشم میرزا

رئیس - (خطاب بمحمد هاشم میرزا)

توضیحی دارید بفرمائید

محمد هاشم میرزا - علی ای حال چون مخبر کمسیون باید نظر کمسیون را دفاع کنند و فعلاً می فرمایند که اصلاً این پیشنهاد در کمسیون مطرح مذاکره نشده است

لذا بهتر این است که اول بکمسیون برود و در آنجا مطرح مذاکره شود پس از آن بیاید در مجلس و در آن مذاکره بشود و اینکه فرمودند منافاتی بسا آن راپورت ندارد بنده عرض نکردم که منافات دارد این يك ماده الحاقیه ایست که بنده برای تکمیل آن راپورت پیشنهاد کرده ام و در اصل راپورت هم بنده رای داده ام و مقصودم اشکال تراشی نیست

آقا سید فاضل - اجازه می فرمائید

رئیس - شما عضو کمسیون هستید؟

آقا سید فاضل - بلی

رئیس - بفرمائید

آقا سید فاضل - بنده گمان می کنم

آقای مخبر فراموش فرموده اند ماده الحاقیه که حضرت والا پیشنهاد کرده اند جزو نوزده فقره پیشنهادی بود بکمسیون آمد و در کمسیون مطرح شد و بالخصوص در پیشنهاد حضرت والا خیلی مذاکره شد

چون وضعیت اراضی اصفهان طوری است که دهات بالا دست رودخانه چه در خشکسالی و چه در غیر خشکسالی نقصانی به آنها وارد نمی شود و این نقصان و کم آبی فقط برای دهات انتهای رودخانه است.

ولی ترتیب تقسیم آب آنجا طوری است که اگر این آب جاری شود همه به نسبتی که باید آب ببرند می برند دیگر محتاج نیست ما اینجا ذکر بکنیم

زیرا اصلاً ترتیب زاینده رود طوری است که در موقعی که آب جاری می شود همه به نسبتی که باید استفاده کنند استفاده می کنند و اهالی اصفهان این ترتیب را ترتیب مرحوم شیخ بهائی می گویند بنابراین دیگر محتاج به ذکر در لایحه نیست.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - قسمت

اولی که آقا فرمودند گویا باینده موافق بودند ولی اخیراً نفهمیدم چه شد که مطلب برعکس شد غرض بنده هم این است که بلوگانی که در خشکسالی آب نمی برند آنها هم استفاده بکنند و دچار مضیقه نشوند.

ترتیب زاینده رود بطوری است که آقا فرمودند که بالا دست رودخانه اصلاً

زراعت خیز نیست و مالیات دولت لا وصول می ماند .

حالا بنده عرض می کنم يك ترتيب در اينخصوص داده شود كه اين پول هائی كه ميدهند به يك تناسب تقسیمی پول بدهند و بهمان تناسب آب ببرند كه آنها هم از بی آبی راحت بشوند و مالیات دولت هم وصول بشود و بنده گمان می کنم این ماده لازم باشد

رئیس - مخبر کمیسیون قبول می کنید یا خیر؟

مخبر - بنده بهر آرای خود نمی توانم قبول کنم.

احاله فرمائید برای مجلس
رئیس - مجدداً قرائت می شود و بقابل توجه بودنش رأی می گیریم (مجدداً بضمون قبل قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این ماده العاقبه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد مذاکرات در کلیات است آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده در شور اول راجع به مواد عرض کردم كه بنده در اصل این مطلب موافقم و خیلی هم میل دارم كه اهالی بدولت اطمینان بكنند و بدولت خودشان پول فرض بدهند و وسائل آبادی و زندگانی امروز را فراهم كنند ولی طرز این لایحه طرز خیلی ناقصی است اولاین لایحه لایحه استقراضی است و لایحه استقراضی را وزارت مالیه باید پیشنهاد كند و وزارت فوائد عامه حق ندارد پیشنهاد كند ثانیاً قرض دهندگان باید معلوم باشند و قرض دهندگان تقریباً دوست سصد هزار نفر از اهالی اصفهان هستند و بعضی از آنها در اصفهان جمع شده و چند نفر نماینده بایشان فرستاده اند و ما می خواهیم تصویب كنیم كه از اهالی آبخور زاینده رود برود این پول را بگیرند كه دو ثلث آن بعنوان قرض و يك ثلث آن امانه باشد من هنوز نفهمیده ام امانه محدود یعنی چه ؟ اگر اهالی می خوانند امانه بدهند دیگر برای امانه حد معین كردن (كه دو ثلث آن بعنوان قرض و يك ثلث آن بعنوان امانه باشد) جهة ندارد هر كس میل دارد كمکی در این امر بكنند میكند و محدود بودنش خلاف مقصود را میسراند

دیگر آنكه در شور مواد مذاكره شد كه اهالی اصفهان خودشان پیشنهاد کرده اند و حاضرند كه این ضررا متحمل بشوند ما فرع زائد بر اصل برای چه باشیم .

اطلاعات خارجی برای مامورك نیست

مدرک ما عین این ورقه خوب است این ورقه را مدرک و یشتی بان خود قرار داده و در آن تصریح كنیم كه چون خود اهالی تقاضا کرده بودند

و اگر ما بخواهیم با اطلاعات خارجی كه داریم رأی بدهیم شاید این ورقه برای ما تولید يك مخطوراتی بكنند .

مثلاً آقای محمد هاشم میرزا فرمودند كه دولت دوست هزار تومان اعانه ميدهد (در صورتيكه فرض حضرت والا هم صحيح باشد) دولت باید در صورتی اعانه بدهد كه اهالی پول خودشان را خرج بكنند و آب بآنها نرسد ولی فعلاً كه اهالی سبصد هزار تومان برای این كار تهیه کرده اند محتاج به اعانه نیستند حالا ما داریم برخلاف این مقصود رأی می دهیم و می گوئیم اگر آب ملحق شود نتیجه حاصل شد دولت دوست هزار تومان اعانه بدهد در صورتيكه وقتی آب ملحق شد دیگر آنها احتیاج باعانه نخواهند داشت و زراعتشان جبران خسارتشان را خواهد كرد و محتاج بكمك دولت هم نیستند ولی اگر آب ملحق نشد و رعای فقیر بیچاره بامید اینکه در آتیه آب بآنها خواهد رسید خانه و كاشانه خود را فروخته و پول تهیه كنند .

آنوقت اگر نتیجه حاصل نشد دولت بآنها مساعدت نكند و تمام خسارات بعهده خود اهالی باشد اینكه خلاف مقصود شاهزاده محمد هاشم میرزا را میسراند اما باید بعكس وقتی كه يك مخارجی كرد و يك عایداتی پیدا نكردند و نتیجه بدست نیاورند آنوقت باید بآنها كمك و مساعدات كنیم و بآنها اعانه بدهیم.

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای زنجانی - مذاكره در کلیات در آخر هر قانونی برای این است كه هر گاه در مواد و در مذاکرات بعضی نگرانیها بوده رفع شود و كسانيكه مخالف بوده اند به آسودگی موافق شوند و بالاخره معاموم شود بآن قانون كه مطرح است باید رأی بدهند یا باید رد كنند

باینكه اینكه این مسئله خیلی بزرگ نیست .

ولی بنده برای آینده در این امور خیلی اهمیت می دهیم ما باید با كمال جدیت رأی بدهیم و كار بكنیم .

می بینیم سایر ممالك كارهای بزرگ می كنند .

قطب شمال میروند رودخانه ها را بیکدیگر وصل می كنند سدها می بندند

پولها خرج می كند اما ما میترسیم كه این كار بی نتیجه بماند و این پول ضرر ما بشود .

با این فرض ها نمیشود كار كرد بعضی گفتند كه این كار انجام نمی شود بنده عرض می كنم خیر حتما می شود .

نهایت این است كه این مبلغ یا كفايت ميكنند كه آب ملحق شود یا خیر كفايت نمی كند بهر جهت وقتی كه جدیت بكنند و كوهی كه بین این دو رودخانه است بردارند از سه حال خارج نیست .

یا اینکه رود كوه رنگ پائین تر است یا بلندتر یا مساوی اگر پائین تر باشد جلو آنرا سد می بندند مساوی می شود و آب جاری می شود اگر بلند تر است راه را باز می كنند و آب جاری می شود و از قرار معلوم رود كارون از زاینده رود پائین تر است و باید پس از برداشتن كوه جلو آنرا سد به بند تا آب بالا بیاید و داخل زاینده رود شود و البته مسامین برای بستن سد میروند می بیند اگر سد قوی می خواهد سد بلند می بندند سد كوچك می خواهد سد كوچك می بندند این اهمیتی ندارد .

يك مسئله دیگر این است كه شاید مخارج از سبصد هزار تومان زیاد تر شود این كار نا تمام بماند بسیار خوب بنده این را قبول می كنم

ولی عرض می كنم وقتی شروع بكار بكنند فرضاً این پول كم بیاید اقلاً نصف كار شده است باید هر وقت دولت پول پیدا كرد شروع می كنند اهالی كه پول پیدا كردند و دیدند كار نصفه شده است خودشان با شوق و ذوق كار را تمام می كنند .

اینجا چندین مرتبه آقایان گفتند كه دولت چرا این خرج را می كند چه فایده میبرد بنده عرض می كنم دولت از رهائیا پول و مالیات میگیرد باید برای آبادی و امنیت و راحت اهل مملكت خرج كند .

سد جاجرود را بسازد سایر جاها را درست كند اگر اینطور نیست پس چرا از ولایات مالیاتها جمع شود و در اینجا دو كرور شهریه داده می شود این را بگوئید نكنند زاینده رود را بایستی درست بكنند تا مملكت آباد شود بندهم زاینده رود را بعد هم جای دیگر را نه اینکه از همه جا بگیرند و بكجا خرج بدهند بكنند این خرجهایی كه می شود ضرر دولت است والا فایده بالاتر از آبادی چیست؟

علاوه بر این دولت مالیات خواهد گرفت فایده خواهد برد آنوقت هر چه خرج شد در ظرف پانزده سال از مالیات آنها كسر خواهد گذاشت .

این را می گویم برای آینده كه در این قبیل چیزها این مذاکرات را نكنیم خودمان را برای این حرفها معطل نكنیم .

البته باید خرج بشود مصرف شود مگر جرئت نمیخواهید كه صدها كشی برای

كشف قطب شمال می رود غرق می شود تا صد و يكمی می رسد سابقاً میگفتند بریدن آسمان مهال است صدها اشخاص پریدند پولها خرج كردند مردند تا آسمان پریدند ما چه می كنیم ؟ آیا اینها خرج است كه ما می كنیم ؟

بعلاوه مردم حاضر شده اند این خرج را بكنند و رود كارون را بزاینده رود ملحق كنند و البته این پول هم كفايت خواهد كرد فرضاً هم نكرد .

بنا بر این ما نباید آنقدر در این باب مذاكره كنیم بلكه باید تقاضا كنیم كه تمام اهالی مملكت از این قبیل پیشنهادها بكنند پس چرا از ولایات و ایالات يك ضرر میگیرند و در ارزاق طهران خرج می كنند باید مردم را تشویق كرد كه برای آبادی امنیت قشون

از آنجا باینجا از اینجا بآنجا اعانه بدهند و دولت خرج كند برای حالا نمیگویم برای آتیه میگویم .

چون میدانم الان باین لایحه با كمال شوق رأی داده خوانند این را برای آینده عرض می كنم كه از این قبیل كارها پیدا كنیم و برای آبادی مملكت سعی كنیم

رئیس - مذاکرات دو کلیات كافی است؟

(گفتند كافی است)

رئیس - رأی می گیریم برایورت کمیسیون كه مشتمل بر سه ماده است آقایانی كه تصویب می كنند ورقه سفید و آقایانیكه رد می كنند ورقه كبود خواهند داد

(اخذ رأی بعمل آمد و آقای ملك آرائی استخراج نموده نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)

عده نمایندگان ۷۰ ورقه سفید علامت قبول ۵۸ ورقه كبود علامت رد ۲ امتناع ده

رئیس - با كثریت ۵۸ رأی از هفتاد نفر رأی دهندگان تصویب شد

(اسامی قبول كنندگان)

ناظم العنماء . حاج میرزا عبدالوهاب ركن الملك . بیان الملك . سلیمان میرزا منتصر الملك . سید حسن كاشانی . اصف . الملك . شیخ الاسلام ملایری . میرزا طاهر تنكابانی . حاج میرزا مرتضی . دكتر اقمان . شیخ الاسلام اصفهانی . امیر ناصر سهام السلطان . مساوات میرزا علی كازرانی سردار مقخم . حاج مقبل السلطنه . حاج میرزا تقی خان . فهیم الملك . تدین دولت آبادی . آقا شیخ ابراهیم زنجانی مستشار السلطنه . امین الشریعه . مدرس . میرزا ابراهیم قمی . حمید الممالك . حاج امین . التجار . معتمد السلطنه . حاج شیخ اسد الله عماد السلطنه طباطبائی . محمد هاشم میرزا سردار جنگ . غضنفر خان . سید الملك . میرزا محمد نجات . فتح الدوله . سردار معظم كردستانی . میرزا ابراهیم خان

ملك آرائی. بان الدوله. وفار الملك. وحید.
الملك، سید کاظم یزدی. احتشام الدوله
ملك الشعراء. جلیل الملك. سلطان العلماء
آقا سید ناضل شریعتدار کرمانی. قوام -
الدوله. حاج نذیر السلطنه. رفعت الدوله
معق الملکاء. آقا سید یعقوب. آقا سید
محمد تقی طباطبائی، صدر الاسلام

اسامی رد کنندگان - حاج شیخ محمد
حسن کروی، بهاء الملك

رئیس - لایحه قانونی راجع به
مالیات طراحین مطرح است مذاکره در
کلیات است

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته همه آقایان
بیشتر مسبقاً و یکی از اصول عقیده مسلمانی
بنده این است و از دوره های قبل تا بحال
همیشه عرض می کنم که بارزاق عمومی نباید
مالیات بسته شود و حتی الامکان باید مالیات
را قسمی وضع کرد که بارزاق عمومی و چیز
های ضروری تعمیلی نشود و اگر ما يك
کاری بکنیم که قیمت نان بالا برود این يك
دمه است که من غیر رسم بفقره وارد
آوردیم زیرا مصرف کنندگان نان یعنی
اکثریت مصرف کنندگان نان همان عمده
فقره و بچاره است که بعد از زحمات بسیار و
شدائد که از هر راه باو وارد می آید (اگر
گیر کمسیون هراض نیتاد یعنی حکام
باو زیاده از حد صدمه زدند که مجبور شود
کافه بفرسد) و در نتیجه زحمت خود يك
لقه نان خالی تهیه نموده اگر ما يك مالیاتی
وضع کنیم که نرخ ارز را ترقی بدهیم این
يك تعدی است که بآن بدبخت فقیر شده است
و بعقیده بنده مالیات را همیشه باید قسمی وضع
کرد که یا نهائی که پول دارند و بی جهت یا
باجهت پول مملکت را جمع کرده اند مالیات
تعمیل شود

اگر فرضاً بخواهند بمرغ مالیات
بگذارند شاید بنده از يك نقطه نظر موافق
باشم زیرا خبر برای پلوی اعیان درجای
دیگر سرش بریده نخواهد شد و بهیچوجه
برفقیر و عمده تعمیل نمی شود و یا اینکه
مالیات را بر عایدات بگذارند که هر کس در
آخر سال بواسطه بیشتر بود مالیات بدهد آن
وقت عمده بچاره هیچوقت این مالیات را
نخواهد داد

ما برای چه مالیات می گیریم
برای اینکه می خواهیم سرف امنیت
مملکت کنیم فرض کنید برای حفظ کار
آب در طهران چند آزان لازم است آیا
از کجا پول بآنها دانه می شود لابد از
مالیات این مملکت می گیرند از پول بدبخت
حمال و عمده که برای حفظ هزار خانه آنها
يك آزان لازم نیست می گیرند اگر چه
اصلاً جاه ندارد که دامن داشته باشد عمده

بدبخت کی خانه دارد که بترسد دزد بیاید
اموالش را ببرد پس کسیکه بیشتر از مالیات
استفاده میکند او باید بیشتر مالیات بدهد
آنکسی که می خواهد بارکش را آزان
حفظ کند و می خواهد همه قسم وسائل
زندگانی او فراهم بشود که بآبادا اسبش در
خیابان سکندری برود یا در اتومبیل تکان
بشورد و خیالات عالی او متزلزل بشود او
باید بیشتر مالیات بدهد زیرا آنها بیشتر
استفاده میکنند و این مغایر بیشتر از برای
راحتی آنها مصرف می شود بچاره عمده
با آنکوله یار دوش از هر کوجه تنگی
عبور میکند و هیچ مصارف خرج راه و
خیابان مربوط باو نیست اما کسی که با
اتومبیل عالی خود حرکت میکند باید بیشتر
مالیات بدهد زیرا بیشتر استفاده می کند
بنا بر این بنده نه تنها با این مالیات طراحین
بلکه با کلیه مالیاتهایی که منجر بترقی نرخ
یان می شود مخالفم زیرا اگر امروز بر
آسیاها مالیات ببندند آنوقت از برای آورد
کردن پنج من گندم که فلان بدبخت فقیر
می آورد با مضایف می گیرند زیرا تاجر
که در گمرک مالیات می دهد او ضرر نمیکند
روی جنس خودش می کشد و هر کس که
يك ذرع بارچه از ازمی خرد او مالیات می -
دهد حالا هم ما نباید بگوئیم با آسیاها
مالیات گذاشته شود و آسیا هم ملك متوالین
است خیر

آنها هم مالیات و اجاره اش را از همان
گندم که می آورند آورد کنند می گیرند بنا
بر این من فقیر رسم دینار دینار بآن اشخاص
که نان می خورند تعمیل می شود و هر کس
بیشتر نان می خورد او بیشتر می دهد اما
که بلوی چند رنگ باقسام مختلف و یک
و مرغ و جوجه و غیره دارند و در ظرف ۲۴
ساعت شاید يك لقه نان آنهم از روی دهم
میل یا تراکت تناول می کند اما فقرا حکه
بیشتر قوت آنها نان است باید آن مالیات را
بدهند ولی از نقطه نظر اینکه آسیا ملك
است خوب است مالیات را بر عایدات بگذارند
که هر کس هر قدر عایدات دارد خواه از
آسیا خواه از تجارت خواه از درشکه کرایه
خواه از چیز دیگر در مدت سال از هر چیز
فایده می برد در آخر سال يك مالیات بدولت
بدهد چنانچه خمس و ذکوة هم که در شرع
معین شده است بعد از وضع مغایر و مصارف
شخصی و بعد از آنکه حسابش را رسیدگی
کرده باید بدهد

شیخ الاسلام اصفهانی - خمس
اینطور نیست ذکوة اینطور است

سلیمان میرزا - بهرحال بعقیده
بنده بهترین مالیات آن است که بروی
عایدات بسته شود که وقتی درست وقت شود
متوالین آن مالیات را می دهند نه فقرا و
چون این مالیات طراحین تعمیل می شود

باشخاصی که نان خالی می خورند باین جهت
بنده در کلیات مخالفم و تصدیق نمی کنم
و بهتر می دانم که عوض این قبیل مالیاتها بر
عایدات مالیات بگذارند و اگر بر عایدات
مالیات بگذارند که هر کس در آخر سال
اضافه از مغایر عایدی دارد مالیات بدهد
بنده تصدیق می کنم و ورقه سفید خواهم
داد زیرا هیچوقت عمده فقیر در آخر سال
چیزی اضافه نخواهد داشت و آن مسئله هم
که آقای شیخ الاسلام فرمودند البته همان
طور است که می دانند بنده بطور مثال عرض
کردم و در کتب فقهیه معین است که
ذکوة و خمس را چه طور باید بدهند و این
از وظایف آقایان است حکه صحبت بکنند
فقهیم الملك (مغیر حکم مسجون
قوانین مالیه) - بالاخره در قسمت آخر
نظراتشان حضرت والا اظهار موافقت
کردند.

سلیمان میرزا - استغفر الله
مخبر - زیرا فرمودند مالیات بر
عایدات ببندند اعم از اینکه عایدات از طواحقین
باشد یا از غیر طواحقین

در هر صورت اگر نظراین باشد که به
قوت دائمی طبقه فقرا نباید مالیات بست و
همچنین چیزهایی که متعلق باین قسمت است
پس مالیاتهای مستقیم اراضی و املاک را هم
نباید گرفت زیرا آنرا هم مالکین از جیب
خودشان نمی دهند و بقیمت گندم افزوده
می شود و از سایرین می گیرند همینطور خیلی
از مالیاتهای دیگر که بالاخره بر فقرا وضع
تعمیل می شود بنا بر این این قسمت را
نمی توان برای مساعدت با فقرا متروک قرار
داد بنده هم موافقم که مالیات را بر اغنیاء
مخصوصاً بر عایدات آنها باید تعمیل کرد
زیرا آنها بیشتر محتاج به مغایر دولتی
هستند و مغایری که دولت از برای تامین
مملکت می کند بیشتر صرف آنها می شود
اما راجع به خانه ها که فرمودند البته در نظر
دارند لایحه راجع به مالیات مستقلات در دوره
سوم بمجلس پیشنهاد شد و قبل از اینکه
بمجلس بیاید (بنده خودم جزء تهیه کنند
کان لایحه بودم) و کلیه خانه ها اعم از
اجاره و غیره در آنجا پیش بینی شده بود بنده
از آنکه بمجلس آمد (خود حضرت والا هم
تشریف داشتند) منعصر شد بهانه های اجاره
در صورتی که همه کس می دانند در ایران هر
کس چیزی طول داشته باشد خانه برای
خودش تهیه خواهد کرد و خانه های کرایه
غالباً مخصوص اشخاصی است که استطاعت
خریدن خانه ندارند ولی متأسفانه در مرکز
این مالیات را تعمیل کردند بر خانه های
غیر اجاره با این وسعت و فضائی که دارند با
همه احتیاجی که بدولت برای حفظ خانه خود
دارند معاف شدند و امیدوارم در این مجلس
جبران شود

در هر حال آسیا یکی از منابع ثروت

است و همانطور که فرمودند اشخاص
سرمایه دار ممکن است دارای چندین آسیا
باشند و نسبت به آنها هم یا خودشان عمل
میکند یا اجاره میدهند و اجاره خود را
بدون هیچ کسر و نقصانی میگیرند و گندمی
را هم که آنجا میبرند بدون دیناری کم و
زیاد مزد خود را میگیرند و نرخ معمول
آسیا بسته است بهمان قاعده کلی ارزاق
يك وقت ممکن است بواسطه داشتن همه دست
زیاد نرخ را یائین بیاورند و یا برعکس
بواسطه کمی آب و نداشتن رقبا دیگر
نرخ را بالا ببرند در هر صورت صاحب
آسیا فایده خود را میبرد اعم از اینکه
مالیات از او بگیرند یا نگیرند

اما در این لایحه بطوریکه ملاحظه
میرمائید ما مالیات کلیه طواحقین را کنار
گذاشتیم و گفتیم هر وقت کلیه اراضی و
مستغلات شهرها و قراء غیره میزری شد و
مالیاتی وضع شد چون بعضی اراضی است
که متعلق به دولت است و همچنین بعضی از
آنها متعلق به خالصه دولت است بعضی
اشخاص می آیند و تقاضا می کنند ما می -
خواهیم از این آب و زمین یا یکی از آنها
استفاده کنیم.

باین معنی که می خواهیم در این زمین
آسیا بسازیم و از قنات ملکی خودمان
بگردانیم یا اینکه در زمین خودمان می خواهیم
آسیا بسازیم و با آب خالصه هم بگردانیم
این لایحه حق الارض و حق السماء را معین
میکند برای اینکه زمین مال دولت است آب
مال دولت است

يك شخص ثالث می آید اینجا يك بنائی
میکند و استفاده میکند اجاره هم میدهد و
گندم هم میگیرد آنوقت از نتیجه عاید او
چرا نباید استفاده کند؟

در صورتیکه بنده می دانم اگر ما
چیزی نگیریم برای فقرا فایده ندارد بنا
بر این در این لایحه دوشهر معین شده است
يكی برای حق الارض و یکی برای حق -
السماء که از آن اشخاص گرفته میشود بنا
بر این تصور نمیکند نظریه حضرت والا در
موقع خودش بنده هم موافق هستم در اینجا
مورد داخه باشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
مخالفند؟

آقا سید یعقوب - بله
رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - نظر بنده هم با
نظر حضرت والا یکی است که هیچ مالیات
نگیریم ولی انشاء الله زمان حضرت حجة
که معاملات باصلاوات میشود.

مخالفت بنده از این راه است حکه
سبب چیست برای مالیات طواحقین عنوان
ملیحه قرار داده اند و نباید مثل مالیات
مستغلات صد پنج باشد چنانچه می بینیم

آمده اند برای مالیات طواحین دوعشر قرار داده اند يك عشر برای حق الارض و يك عشر دیگر برای حق السماء و بنده نسبت به آب هر چه تصور می کنم می بینم آبی که آسیا را حرکت میدهد ضرری بر آن وارد نمی شود.

آبی جریان دارد و در مجرای آن آسیائی می سازند از آن آب که چیزی کسر نمی شود بنابراین بنده عشریه حق السماء را زائد میدانم و يك تمدی وظلمی است.

لکن حق الارض را قبول دارم بجهت اینکه زمینی متعلق بدولت است و ممکن است فایده داشته باشد ولی وقتی آسیائی ساختند دیگر آن زمین فایده ندارد ولیکن نسبت به آب عشر زیاده است چون ضرری به آب وارد نمیشود و نسبت به حق الارض هم از این جهت که قرار مالیات آنرا علیحدہ قرار داده اند و مثل مالیات مستغلات صدینج قرار نداده اند مغالطه

از طواحین هم مثل کروان سراها و دکانها صدینج باید گرفته شود دیگر عشر قرار دادن و از مستغلات خارج کردن را بنده نمی فهمم برای چیست خوب است دلیلش را آقای مخبر بیان کنند

مخبر - در این لایحه راجع به مالیات طواحین که فرمودید مثل مالیات سایر مستغلات صدینج دریافت شود اشاره نشده و مربوط به مالیات طواحین نیست و این راجع به حق الارض و حق السماء طواحینی است که در اراضی خالصه بنا میکنند یا با آب خالصه گردش میکنند و اگر برای آنها ترتیبی معین نشود فرقی ما بین این طاحونه ها و طاحونه هائی که در املاک اربابی ساخته می شود و با آب ملکی خودشان گردش میکنند نخواهد بود ولی البته اگر مالیاتی برای آنها وضع شود برای عموم خواهد بود

اینکه اینجا اشاره فرمودند باید مثل مالیات خانه ها صدینج باشد عرض کردم این دوعشر که معین شده است مالیات نیست البته موقعی که بشوایند مالیات وضع کنند شاید صدینج قرار دهند یا شاید مثل مالیات اراضی عشر قرار دهند در هر صورت این ترتیبی است که باید در آن موقع مذاکره شود

کفیل وزارت مالیه - توضیحاً

عرض میکنم در موضوع آسیاها بطوریکه آقای مخبر توضیح دادند راجع به آسیا هائی که در اراضی خالصه ساخته شده یا با آب خالصه می گردد بدیهی است دولت باید حق پیگردولتیه آنها را باید مالیات بدهند ولی آسیا های اربابی دو نوع است یاره آسیا ها هستند که قبلاً در آنها رسیدگی شد و مالیات آنها جزء آن ملکی است که در آن واقع هستند و مالیات علیحدہ گرفته نمیشود و بعضی آسیا های جدید التاسیس است که محتاج به ممیزی است و بعد از آنکه قانون ممیزی از مجلس گذشت برای آنها

هم ترتیبی باید اتخاذ شود و علی ای حال تصور میکنم تصویب این لایحه هیچ ضرری نداشته باشد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی مخالفند؟

حاج میرزا علی محمد - بلی

رئیس - بفرمائید
حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اساساً راجع به مالیات طواحین که در ایران گرفته می شود باید درست دقت کرد که آسیا مثل حمام و غیره چندان فایده به آن مترتب نیست طواحین در تهران و سایر جاها بقدر احتیاج ساخته می شود و اگر درست دخل و خرج آنرا ملاحظه بکنند فایده برای مالک نخواهد داشت

در اینجا صدسی مخارج معین کرده اند در صورتیکه اگر درست دقت بشود صدی هفتاد مخارج و صدسی فایده آنها است این يك قسمت از مغالطه بنده

اما نقص دیگر این لایحه این است که برعکس فرمایش آقا سید یعقوب حق الارض را هم عشر قرار داده اند زیرا آسیا بیش از هزار ذرع زمین را اشغال میکنند و وقتی حساب کنیم يك عشر از عایدات برای اراضی معین کنیم ممکن است بعضی از اراضی باشند که قیمت ناظر داشته باشند و خیلی کمتر از این مقداری که معین شده است فایده آن زمین باشد و بعضی اراضی هم باشد که فایده اش بیش از این باشد در هر صورت نمیتوان بطور کلی يك میزان معین کرد که بگوئیم کلیه اراضی ده يك باید بدهند

اما راجع به املاک دولتی کلیه رودخانه ها را در تصرف دارد و مال خودش می داند در صورتیکه قسمت عمده این رودخانه ها به دهات اربابی می رود و دولت از آن دهی که این آب آنها می رود يك مالیاتی می گیرد و اگر از این آسیا هم يك مالیاتی اخذ شود بالنتیجه دو مالیات از این آب دریافت میشود بعقیده بنده از هر جهت که ملاحظه کنیم این مالیات برای طواحین خیلی سنگین است و اگر بشواییم مالیاتی وضع کنیم به این سنگینی زیاد است

رئیس - آقای معقود العلماء موافقت

معقود العلماء - بلی عرض می کنم شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند که مالیات بر عایدات یا بالاخره بر اغنیاء بسته نه بر فقرا بنده هم همین عقیده را دارم و گمان میکنم تمام نمایندگان هم حامی رنجبرها و فقرا هستند و باید رعایت حال آنها بشود و حتی الامکان هم می خواهند اسباب آسایش آنها را فراهم نمایند ولی راجع به کلیه طواحین مذاکره نبود

مذاکره راجع به طواحینی بود که از آب خالصه یا در زمین خالصه تازه احداث کرده اند یا اینکه از سابق احداث کرده

بودند و سخنان شاهزاده راجع به عموم طواحین بوده لیکن بنده عرض میکنم طواحین کلیتاً متعلق به اغنیاء است

ملاکین باغ را می گویند بی حاصل است و می گویند باغ داغ است و آسیا هم آسیا يك ملکی است بر منفعت و غالباً هم متعلق به اغنیاء است و هیچ ربطی هم ندارد بیک کندی که از يك جانی به يك آسیائی بیاورند و آرد بشود صاحب آسیا حقش را می گیرد و من هیچ ضرری نمی بینم از طواحینی که در اراضی خالصه هستند و با آب خالصه کار میکنند يك وجهی گرفته شود و اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند اگر از آب خالصه آن طواحین گردش کنند چرا باید يك عشر مالیات بدهند بنده عرض میکنم به آب هم ضرر وارد می آید و کسر میکنند همین قدر می خواستم عرض کنم که این مالیات ربطی به فرمایشات شاهزاده که می فرمایند رعایت حال فقرا باید بشود ندارد و این يك چیزی است که بالاخره رعایت حال فقرا هم میشود

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - در اول این لایحه پیشنهاد دولت ذکر می شود که امروز از طواحین يك مبلغی بطور غیر منظم بترتیب رژیم سابق گرفته میشود آیا صدها است صدینج است چقدر است که من نمیدانم چرا ذکر نشده است چه مبلغ گرفته میشود و به چه ترتیب است و اینکه اینجا نوشته از روی رژیم سابق مالیاتی بطور غیر منظم گرفته میشود بنده درست ملتفت نمی شوم مقصود چیست؟ چون ذکر نشده است این مالیات برای خالصجات طهران و اطراف طهران است یا از برای تمام ایران

در هر صورت يك نظریه که بنده داشتم و مجبوراً امروز بیان کنم این است که تا بودجه جمع و خرج مملکت تعدیل نشده است و مجلس نمی داند مخارج مملکت چقدر است و عایدی آن چقدر و چقدر کسر دارد ما نمیتوانیم يك مالیاتی وضع کنیم و وقتی که معلوم شد چه مبلغ کسر بودجه داریم با کمال میل باید قانون مالیات نوشته شود در دوره های سابق مخصوصاً در مجلس دوم ما با يك میل مفرط دوازش و مالیات را (ولو مالیات نمک هم بود) از مجلس می گذراندیم حتی برای نمک مالیاتی معین کردیم و رای دادیم و گذشت

مالیات تریاک را با آن میل مفرط گذراندیم و هم چنین مالیاتهای دیگر را با کمال میل می گذراندیم برای اینکه تعادلی در جمع و خرج بودجه مملکت حاصل شود ولی امروزه شخص من بانهایت بی میلی از برای يك پول اضافه بر عوازش رای خواهم داد برای اینکه تا بحال بودجه جمع و خرج مملکت تعدیل نشده است و از روز هفتم برج حمل آیت ائیل است و چه روز با سعادت می شود اگر از وزارت مالیه يك پیشنهادی می شد

که ما بودجه سال تقویتی را بستیم و می گفتند فلانقدر کسر محل از سال گذشته داریم و بودجه سال اثباتی را هم منظم کردیم فلانقدر جمع و فلانقدر خرج و فلان قدر کسر بودجه داریم و از مجلس درخواست میشود که يك نظری در این بودجه بر طبق وظائفی که دارید بنمائید و هر چه کسر دارد بوسیله وضع مالیاتها و عوازش که تحصیل یفترا نشود و نظریه حضرت والا سلیمان میرزا هم رعایت شده باشد باید جبران شود آن وقت مجلس هم بانهایت میل و موافقت رای می داد که جمع و خرج بودجه مملکت تعدیل شود ولی با ترتیب امروز که لایحه مالیات گذاری به مجلس نیاید بنده با نهایت توقیر بآقای وزیر مالیه و آقای مخبر کمیسیون قوانین عرض می کنم که تحصیل يك پول مالیات و با مردم مافوق آنچه گرفته میشود تصویب نخواهم کرد زیرا امروزه آنچه گرفته می شود و يك قسمت از آن در ایام فقرت وضع شده است عوازش و مالیاتهای نیست که قانونی باشد و ما باید جد و جهد کنیم که هر چه زودتر بودجه کل را که

دارای صفحه خرج و صفحه جمع باشد به مجلس بیاورند و وقتی آمد به منطبق بود عرض کردم با کمال میل هر گونه مالیاتی که باشد بر طوامین - بر مستغلات بر مایملک - بر عایدی بردن رای داده می شود و آنوقت مطمئن هستیم که بودجه مملکت تعدیل شده است ولی تا موقعیکه بودجه مملکت تعدیل نشده است بنده شخصاً این لایحه و لایحه دیگری که میرسد با کمال بی میلی رای داده یا اینکه اصلاً رای نمیدهم

مخبر - بنده هر چه به فرمایشات آقای وحید الملک گوش دادم دیدم مربوط باین لایحه نبوده اولاً باید بدانند که مجلس چهارم يك قدم بزرگی برداشته است و جمع و خرج مملکت را در این سال جدید تصویب کرده است و این قدم راهیج يك از مجالس گذشته بر نداشته اند و وزارتخانه ها مجبور شده اند که بودجه مشروح خودشان را مطابق تصویب مجلس برای سال آیت ائیل بیاورند این خودش يك قدم بزرگی است برای اصلاح بودجه و امیدوارم که جزئیات آن راهم موفق بشویم و بودجه مشروح راهم به جزء تصویب کنیم

این لایحه هم به مجلس آمده است هیچ عنوان مالیات جدیدی نیست و این ترتیب معمول بوده است و در غالب املاک خالصه طواحین ایجاد کرده اند و استفاده هائی هم می کنند و منافعی هم میبرند و حتی در بعضی نقاط خیلی بیش از این هائی که در این لایحه منظور شده می گیرند در اطراف طهران غالباً چهار عشر یا سه عشر از بابت حق دولت از طواغین می گیرند و همین طور در ولایات دیگر و

بملاوه مقایسه کنید این موضوع را با معاملات اشخاص متفرقه که در اراضی خود از آسیاها اجاره می گیرند ملاحظه خواهند فرمود که آنها خیلی بیشتر می گیرند

از آقایانی که اینجا هستند و آنهایی که ملک دارند تحقیق بفرمائید به بینید آیا دولت چقدر کمتر از يك مالك خصوصي استفاده می کند؟ دولت راهم باید يك مالك خصوصي فرض کرد بنده هرچه فکر می کنم اساس فرمایشات آقای وحیدالملک را که می فرمایند ما می خواهیم مالیات جدیدی وضع کنیم نمی فهمم اینجا مالیات جدیدی وضع نمی شود ما می خواهیم باین وسیله آنرا تخفیف بدهیم که اساس صحیحی داشته باشد و نسبت به مردم تعدی نشود و همه بدانند چه می دهند

تفاوتی که بین مالیات تصویبی مجلس و غیر تصویبی مجلس است همین است که مردم در مالیات مصوبه مجلس می دانند چه باید بدهند و کسی حق مطالبه زیاده تر از آنرا ندارد

بدیهی است وقتی که مالیاتی بتصویب مجلس رسیده باشد ممکن است مأمورین موقع را مقتضی شمرده و همه گونه تعدیات بنمایند ولی وقتی اساسی پیدا کرد و بتصویب مجلس رسید دیگر اینگونه اجحافات مردم نخواهد شد

اما راجع به مخارج که آقای دولت آبادی فرمودند عرض می کنم کمیسیون فقط در اطاق این لایحه را ترتیب نداده است بلکه تحقیقات خارجی دیگری هم کرده و اشخاصی را بکمیسیون دعوت نموده و وقت کامل کرده است و میزان صدی سی که برای مخارج نوشته شده حد مافوقی است که در سال برای مخارج از قبیل پول سنگ یا سنقری یا مخارج دیگر ممکن است تصور شود و هرچه فرض کنید بیش از صد سی نمیشود لذا با تحقیقاتی که از خودشان شده است صدی سی برای مخارج منظور شده است

در لایحه اولی دولت چنانکه ملاحظه فرمودید عنوان پس از وضع مخارج شده است ولی این عنوان باز ممکن بود تولید اشکالاتی بین مأمورین و صاحبان طوابعین بکنند این بود که کمیسیون لازم دانست تحقیقات کاملتری بنماید و از روی تحقیق مقدار مخارج را معین نماید

بلکه نکته دیگری آقای وحیدالملک فرمودند که قابل ملاحظه بود و فرمودند خوب بود وزارت مالیه بودجه تغاقوی ثیل را در مجلس بیاورد و می گفت این بودجه تعدیل شده است

اگر خاطرتان باشد از دوره دوم این طور قرار شد که دولت می تواند لایحه تفریغ بودجه دوره عمل هر سال را تا پایان ماه مه تهیه نموده و بمجلس بیاورد یعنی تقریباً يك سال و چند ماه برای تهیه آن وقت معین شد

بنابر این اگر هم ما موفق شویم بودجه جزء و کل خودمان را مرتب کنیم باز هم نمی توانیم متوقع باشیم لایحه تفریغ بودجه سال گذشته تا هشتم حمل سال نو تهیه و تقدیم شود و بعقیده بنده در همان مدتی هم که قانون معین نموده اگر بیاورند ما خیلی ممنون خواهیم بود

رئیس - مجلس مذاکرات در کلیات را کافی می داند

(بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - آقای حائری زاده - مخالفید ؟

حائری زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

حائری زاده - اگر چه بنده با نظر آقای سلیمان میرزا و آقای وحیدالملک موافقم ناوقت جمع و خرج مملکت تعدیل و معین نشده نیاستی مجلس لایحه وضع مالیات جدیدی را اصلاً بپذیرد و بر فرض هم که لازم شود وضع مالیاتی بشود باید مالیات بر عایدات بسته شود

لکن چون این لایحه لایحه وضع مالیات نیست بلکه تعدیل مالیات است و مالیاتی را تا بحال از مردم می گرفته اند میزان تشخیص نداشته و اکنون در مقام تعدیل مالیات بر آمده اند که من بعد مطابق جزع جمع قدیم از آسیائی که قنات او خشک شده و از کار افتاده مطالبه مالیات نکنند ولی با وجود این مسائل بسیار متأسفم که کمیسیون نظریکه دولت داشته است و مطابق آرزوی بنده است تعقیب نکرده و يك میزان شخصی از برای کلیه طوابعین اعم از این که در اراضی خالصه باشد و بآب خالصه دایر شود یا در اراضی اربابی و یا آب اربابی معلوم نکرده و دولت پیشنهاد کرده بود که از کلیه طوابعین اعم از اینکه در زمین اربابی و بآب اربابی دایر باشد یا در زمین خالصه و بآب خالصه باشد يك عشر بابت مالیات دریافت دارند و کمیسیون قوانین مالیه این ترتیب را رد کرده و مطابق اصول سابق آنرا تصویب نموده است این است که به عقیده بنده این ترتیب نا صحیح است و اگر در لایحه دولت اصلاحاتی بشود خیلی آنرا بهتر از راپورت کمیسیون قوانین مالیه می دانم زیرا وضع قدیم خیلی بی ترتیب است بعضی از طوابعین جدید الاحداث هنوز مالیات ندارند و بعضی مالکین از طوابعین استفاده نموده و سهم دولت را نمی پردازند و بعضی دیگر که قنات طاحونه هاشان خشک و یا کم آب شده است با وجود این از آنها مالیات مطالبه می شود و البته اینها يك قسم ظلمی است که باید تعدیل و تمیزی و اصلاح کرد

يك نفس دیگری هم که در راپورت کمیسیون دارد این است که معلوم نکرده

است این حقوقی که گرفته می شود راجع بطوابعین است که تمامش متعلق بدولت باشد یا قسمت جزئی یا کلی از آن زیر امکان است دولت مالك یکسهم از سهم از هزار فلان آب باشد

در این صورت بموجب این لایحه ممکن است مأمورین مالی این حق را هم بر آنها تحمیل نمایند بنا بر این اگر تصریح شود که این مالیات و حقوق در صورتی است که طاحونه در زمین خالصه تأسیس شده و با آب خالصه می گردد و تمام آب راجع به دولت باشد این عیب و نقص رفع خواهد شد

راجع به مخارج معموله هم در اینجا بطور کامل نوشته نشده است زیرا یک طاحونه هم مثل سایر املاک است با اجاره می رود و آن مستأجر هم بعضی خرجها دارد و اگر ما بخواهیم صدی را از کل عایدات طاحونه موضوع کنیم که آن وقت حق السماء و حق الارض مطالبه کنیم ممکن است بر عیت تحمیل شود

و اگر تصریح شود که صد سی از سهم عایدات ارباب که طاحونه را اجاره داده موضوع می شود بعقیده بنده رفع این اشکال خواهد شد

وزیر مالیه - اینجا دو مطلب با هم مخلوط شده است

مالیات طوابعین عموماً در موقع معینی تعدیل خواهد شد

ولن این مسئله و يك لایحه بخصوص راجع بطوابعین است که در زمین های دولت یا آب دولت دایر میشود و تصور می کنم این دو مسئله باید از یکدیگر تفکیک شود

رئیس - آقای کروسی جناب عالی هم مخالف هستید ؟

حاج شیخ محمد حسن کروسی بلی

رئیس بفرمائید

حاج شیخ محمد حسن - مخالفت بنده راجع باخذ حق الارض و حق السماء نیست و البته دولت حق دارد این وجه را از مستأجرین خود دریافت دارد

ولی کلام در اینجا است که البته دولت مالیاتی از خالصجات می گیرد

و یقیناً آن مالیاتها هم خیلی سنگین تر از مالیاتهای سایر مالکین خواهد بود و طوابعین هم جزء همان خالصجات است بنا بر این بنده دیگر حق الارض حق السماء را مناسب نمیدانم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم

رئیس - آقای تدین بطور تدوین - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - بنده در موقعی که اجازه خواستم نظرم این بود که يك سوالاتی از آقای مخبر محترم بنمایم لکن در ضمن مذاکرات مخالفتهای نسبت باین لایحه شد که بنده را مجبور نموده از اجازه خود استفاده نموده و بعنوان موافقت نظریات خود را معروض دارم

بنده حقیقتاً تعجب می کنم مذاکراتی که در اطراف این لایحه می شود هیچ مربوط به پیشنهاد دولت و این لایحه نیست بلی تمام فرمایشات آقایان بموقع خود صحیح است و تحمیل بر فقرا و ضعیفا هم غلط است اما این لایحه تحمیل بر فقرا بیست و هیچ مربوط بآن قضیه نیست بلکه تعدیل يك وجوهی است که دریافت می نماید و اسباب آسایش حال آنها است امروز در املاک خالصه يك معاملات مختلفی بارها می شود و مأمورین مالیه بعنوان مختلفه بر رعایا فشار وارد آورده و صد و بیست و صدوسی و غیره از آنها بعنوان حق الارض و حق السماء میگیرند

حال دولت آمده است و برای آسایش حال همان فقرا و رعایا (اگر چه بعقیده بنده آنها مالکند نه رعیت) و برای اینکه من بعد معلوم باشد چقدر باید حق - الارض و حق السماء بدهند يك اساس معینی اتخاذ نموده و پیشنهاد کرده است که يك عشر بابت حق السماء و يك عشر هم بابت حق الارض بپردازند

اما راجع بطوابعینی که در اراضی اربابی واقع است و بآب اربابی دایر است آن يك مذاکراتی دارد که در جای خود خواهد شد ولی راجع باین طوابعینی که فعلاً مطرح مذاکره است بنده تحقیقات خارجی کرده ام و معلوم شد که سابقاً زیاده تر از این گرفته شده و در صورتی که این لایحه تصویب شود تعدیلی در آن بعمل خواهد آمد

دیگر از مذاکراتی که می شود این است که چون بودجه مملکتی بمجلس نیامده است ما هم این لایحه را تصویب نمی کنیم نتیجه این مذاکره این است که بهمان ترتیب هرج و مرج سابق باشد یعنی از یکی صد بیست بگیرند و از دیگری صد و دیگری صد سی برای چه ؟ این تعدیل است مالیات جدید نیست ربطی بجمع و خرج مملکتی ندارد

این است که بنده عرض می کنم مذاکراتی که تاکنون در اطراف این تعدیل شده است خارج از موضوع است و هیچ مربوط باین لایحه نبوده

حالا اگر آقایان راجع باسناد خالصجات قائل شوند که دولت نباید اصلاً مالك باشد و باید خالصجات قائل شوند که دولت نباید

اصلاً مالک باشد و باید خالصات را بازدارین بدهد البته آن موضوع علیحدّه است لکن تا وقتی که مجلس این تصمیم را نگرفته است و دولت دارای ملک و آب است همان معامله که سایر مالکین نسبت بملک خود می کنند دولت هم باید همان معاملات را نسبت بخالصات بکند

آیا در اراضی هر کدام از ماها اگر کسی بخواهد آشیانی بسازد راضی می شویم؟
یقیناً با حقی نگیریم نخواهیم گذاشت کدام یک از مالکین بدون اینکه حقی بگیرند ملک خود را بدیسگری می دهند؟

بنابر این این مطلب نه مالیات است و نه تعمیل بر فقر بلکه تعدیل است و میخواهند یک اصول غیر مرتبی را که سابقاً در طواحین معمول بوده در تحت یک پرنسپ واحدی در آورند و این پیشنهاد را تقدیم مجلس نموده اند.

تازه پس از دو ساعت که صحبت می شود هنوز موضوع بدست نیامده است که بنده عقیده دارم آقایان از خود موضوع صحبت بفرمایند و اگر می فرمایند دولت نباید از خالصه چیزی بگیرد بفرماید اولاً اگر معتقدند که باید از خالصه استفاده بنابر این این اشکالات لازم نیست و باید برای دولت حق مالکیت قائل شد

رئیس - البته آقایان با چند دقیقه تنفس موافقت

(در این موقع مجلس برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

حاج میرزا مرتضی - بنده اساساً تا وقتی که این مالیاتهای که گرفته میشود مصارفشان کاملاً معلوم نباشد با وضع هر نوع مالیات جدیدی مخالفم

اما باین لایحه بخصوص هم که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند تعدیل است و بعقیده بنده نه تعدیل است و نه مالیات بلکه حق الارض یا حق السماء می باشد مخالفم زیرا همانطور که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند این ضرر غالباً با شخصی که فقیر هستند وارد می شود و بر اعیان و اشخاصی که ثقیلاً گاهی یک لقمه نان میل می فرمایند وارد نمیشود

زیر این مالیات یا این حق را دولت مستقیماً از طواحین می گیرد و اشخاصی هم که طاحونه ساخته اند این مالیات را در روی اجرت آسیا می اندازند و بالاخره از فقرای بیچاره می گیرند بنده معتقدم این حق - الارض و حق السمائی که دولت از طواحین می گیرد و مبلغ خیلی خیلی می باشد ملغی شود و من بعد چیزی گرفته نشود زیرا از

ایشان چیز زیادی بدولت نرسیده و فایده آن بقدری و بیچاره هائی که محتاج خوردن مان می باشند خواهد رسید و دولت می تواند در عوض این مالیات مالیاتی بر چیزهای نفتی و چیزهایی که تعمیل بر فقر نشود وضع کند از این نقطه نظر بنده مخالف این لایحه هستم و تقاضا می کنم این مالیات ملغی گردد

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند؟

سلطان العلماء - در یک قسمت بلی.

رئیس - آقای اقبال السلطان چگونه؟

اقبال السلطان - موافقم و رئیس - بفرمائید

اقبال السلطان - امشب در موضوع این لایحه مذاکراتی شد که بعقیده بنده این اندازه لزومی نداشت بنده بسیار متأسفم که آقایان مخالفین در رایورتنی که کمیسیون طبع و توزیع نموده درست دقت نفرموده اند و اگر هم دقتی کرده باشند در این ایام تعطیل فراموش فرموده اند

اگر در رایورت کمیسیون در پیشنهاد دولت ملاحظه فرمائید خواهید دید که در هیچ کدام گفتگوی مالیات در بین نیست پیشنهاد دولت این است که یکمشر بابت حق السماء و یک عشر هم بابت حق الارض و یک عشر هم بابت مالیات گرفته شود

در کمیسیون قوانین مالیه مذاکره شد که چون در لایحه معینی که تازه بکمیسیون رسیده فقط یک حقوقی برای طواحین معین شده لذا مذاکره در مالیات طواحین خالصه موقوف باشد تا یک تصمیم کلی برای تمام طواحین اتخاذ شود و عیناً این رایورتنی که مطرح است ربطی بمالیات طواحین ندارد بلکه فقط حق مالک را از آسیا معین می نماید

در ایالات و دردهات آقایانی که ملک دارند می دانند که سایر مالکین از این قبیل آسیا ها خیلی بیش از این مقدار فایده می برند

در بعضی نقاط یک ثلث مالک و دولت سازنده آسیا می برد در اینجا کمیسیون تمام این نظریات را با هم جمع نموده و این رایورت را تقدیم داشته است و در واقع بصاحبان آسیا صد سیزده تخفیف داده است

بعلاوه مبلغی که حالا از بعضی جاها می گیرند شاید از صد سی هم تجاوز می کنند ولی در این لایحه صد سیست معین شده فقط چیزی که در اینجا باعث این مذاکرات شده این است که این حقی را که دولت از اراضی و املاک خود دریافت می دارد اسم

آنرا مالیات گذارده اند در صورتی که مالیات نیست فقط عایدات دولت است که از اراضی یا آب خالصه گرفته میشود

شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن فرمایشات شان فرمودند من با وضع مالیات بر آسیاها مخالفم زیرا مالیات بر آسیا اسباب گرانی آرد و نان و بالتبع به تعمیل بر فقر خواهد شد

اولاً باید بدانند که در تهران اداره ارزاق موجود است و نان را اعم از اینکه از طواحین مالیات بگیرند یا نگیرند بقیمت معین می فروشند و بهر نحو باشد تغییری در قیمت نان داده نمی شود

ثانیاً در ولایات هم معمول این است که صاحبان آسیا نمی توانند هر چه بخواهند از خبازها برای آرد نمودن گندم اجرت بگیرند

بلی با سایرین این معامله را میکنند و هر چه بخواهند خرواری دو یا سه یا چهار تومان می گیرند ولی راجع بخیازها این قسم نیست و نرخ معینی دارد که بیش از آن نمی توانند دریافت دارند

مثلاً در کرمانشاهان اجرت آسیا کردن سه تومان است ولی خیازها از خرواری یک تومان بیشتر نمی دهد در سایر جاها هم بهینطور است و اعم از اینکه بر طواحین مالیاتی وضع شود یا نشود آن حقی را که برای آنها معین کرده اند همان را خواهند گرفت و هیچ تعمیلی بر خیاز نخواهد شد و نان هم گران نمی شود مگر اینکه قیمت غله ترقی کرده و بالتبعیه نان گران شود

آقای آقا سید یعقوب از توضیحات آقای مخبر که فرمودند این لایحه مالیات نیست بلکه حق اربابی است باز هم اظهار فرمودند خوب است از طواحین صد پنج بابت مالیات دریافت شود

بعلاوه فرمودند حق الارض بگیرند بعقیده بنده اگر می فرمودند حق السماء بگیرند و حق الارض نگیرند بهتر بود زیرا بر فرض هم صد ذرع در صد ذرع زمین آسیاب بسازند چندان ضرری وارد نمیشود ولی چون برای آب و جریان آن مخارجی از قبیل تعمیر قنات و پاک کردن مجرا و غیره لازم است لذا باید حق السماء گرفته شود

بنابر این اگر درست دقت می فرمودید این ترتیب را بهتر میدانستید

آقای دولت آبادی می فرمایند صد سی برای مخارج کم است البته اگر بنا باشد صد سی از مخارج آسیاهای اربابی کسر شود حق بجانب ایشان است

ولی ملاحظه می فرمائید که از صد قسمت بیست قسمت دولت می برد هشتاد قسمت دیگر در عوض همان مخارج و زحماتی است

که شخص برای بنای آسیا متحمل میشود آقای وحید الملک فرمودند که قبل از تعدیل بودجه حاضر نیستیم هیچگونه مالیات جدیدی رأی دهیم جواب ایشان هم همانطور که آقای مخبر فرمودند این است که البته برای وضع مالیات جدید شاید تمام آقایان نمایندگان عقیده شان این است که تا بودجه مملکت تعدیل نشود و ندانیم چقدر کسر داریم نمی توان مالیات جدیدی وضع کرد ولی باید دانست این لایحه مالیات نیست بلکه حق اربابی است

دیگر اینکه از آرزوهای آقای وحید الملک این است که آقای وزیر مالیه در هشت سال جدید قانون تفریغ بودجه سال قبل را تقدیم مجلس نمایند

بنده تصور می کنم در اروپا هم که تمام ادارات مرتب است دولت می تواند یک ماه بعد از سال هم قانون تفریغ بودجه را به مجلس بیاورند زیرا خودشان در وزارتخانه تشریف داشته اند و کار کرده اند و میدانند که باید تمام دخل و خرج ایالات و ولایات و قرا و قصبات هر چه هست به مرکز برسد بعد از آن دولت آنها را جمع نموده بودجه را تعدیل نموده آنوقت صورت آن را به مجلس تقدیم نماید و همانطور که آقای مخبر فرمودند خود انجام این مسئله سه چهار ماه وقت لازم دارد

بالاخره گمان میکنم خوب است آقایان موافقت فرمایند که این لایحه زودتر از مجلس بگذرد چون یک فوایدی برای صاحبان آسیا در آن مترتب است و ما هم در کمیسیون صورتی خواستیم که عیناً و سابقاً از این آسیاها چه می گرفته اند

معلوم شد از بعضی از آسیاها چهار عشر و از بعضی سه عشر و نیم و از برخی سه عشر و بالاخره دو عشر و نیم میگرفته اند و از بعضی ها هم هیچ نمیگرفتند حالا ما آمدم کلیه طواحین دو عشر گرفته شود و اگر آقایان این لایحه را رد بکنند یک ضرر بکنی بصاحبان طواحین که بیش از این مبلغ می دهند و دارد آورده اند

رئیس - در کلیات مذاکرات کافی نیست؟

(گفتند کافی است)
رئیس - رأی می گیریم داخل در شورمواد بشویم یا نه؟

آقایانی که تصویب میکنند داخل در شورمواد بشویم قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - از عایدات خالصی طواحین که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کاری می کنند یک عشر بابت حق السماء دریافت

می شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)سلیمان میرزا - آیا میشود در
ماده اول هم بطور کلی در این لایحه مذاکره
نمود یا خیراگر می شود بنده عریضی دارم عرض
کنم

رئیس - بلی میشود

سلیمان میرزا - چون آقایان
مذاکرات را در کلیات کافی دانسته موقع
نرسید بنده عریض خود را بطور کلی
عرض کنماین بود که از آقای رئیس استفسار
نمودم که آیا ممکن است در این لایحه هم
مثل سایر قوانین در شور و ماده اول داخل
مذاکره در کلیات شد یا خیر؟چون تصدیق فرمودند که می توان
داخل در کلیات شد لذا بنده هم جواب آقایان
را يك يك عرض میکنماولا در کمال نزاکت با آقای حاج شیخ
اسدالله عرض میکنم که ایشان در ضمن
نطقشان يك قسمتی از وظائف آقای رئیس
را اعمال فرمودند یعنی به مخالفین فرمودند
مذاکرات شما خارج از موضوع این لایحه
است و اخطار خارج از موضوع مذاکره
بودن فقط مطابق نظامنامه داخلی از وظائف
شخصی رئیس است و بعلاوه این صی که در
اطراف این لایحه صحبت کردند املا در
موضوع لایحه بوداز آقای حاج شیخ اسدالله معذرت می
خواهم لکن چون ایشان تصمیمی فرمودند
بنده هم این مسئله را یادآوری نمودم
آقای فهیم الملك فرمودند که بنده در
آخر عریضم تقریباً موافقت نمودمخیر سوء تفاهمی واقع شده بنده هیچوقت
با وضع مالیات بر ارزاق عمومی موافقت
نخواهم کرد ایشان بطور اغراق گوئی
فرمودند بنا بر این برگندم هم نباید مالیات
وضع شود بلی نباید برگندم مالیات وضع
کرد.اگر موقعی تعدیل بودجه و مالیاتها
در دست بنده باشد می گویم بر ارزاق عمومی و
مالیات نباید وضع کرد بجهت اینکه دلیل
ندارد از گندم که جزو ارزاق عمومی است
مالیات گرفته شودو هر چه از این قبیل مالیاتها گرفته
باشد بنده با آن مخالفم خواه مالیات ارضی
باشد خواه مالیات گندم ولی هنوز آن موقع
برای بنده نرسیده و این اظهاراتی که حالا
میکنم برای است که هم عقیده زیاد پیدا کنم
و هر وقت هم عقیده و هم مسلک بنده زیاد
بشوند یکی از پیشنهادات بنده این است
که مالیات از ارزاق عمومی و گندم نباشد
دریافت شود دولت باید مخارج خودش رااز متولین بگیرد از فقراء و ضعفاء مالیات
را باید از آنها بگیری که زیادتر از این مملکت
استفاده میکنند گرفت و باید حتی الامکان
سمی کرد که از بیچاره سر باز و بی خدمت
مأمورین جزء دولت و رعایا و فقرائی که
دوازده الی چهارده تومان حقوق دارند و یا
اینکه اصلاً حقوق ندارند و از سرمایه خودشان
معبث می کنند کمتر مالیات گرفت زیرا
دولت بیشتر از این مخارجی را که میکند
برای حفظ جواهرات و اموال اعیان است
که دزد نبرد و الاربعیت چیزی ندارد که
دزد برد و آزان برای حفظ آن لازم باشد
در این صورت باید مخارج را هر کس باندازه
که از مملکت استفاده میکند پرداختاگر مالیات مستقلات در مجلس مبدل
شد مالیات خانه های اجاره به بنده مربوط
نیست و قصیری به بنده نیست زیرا اگر
بمذاکرات آن دوره رجوع شود ملاحظه
خواهید فرمود که بنده فریاد میزدم کسی که
قصر خورق ساخته و بوجود خود آن خانه را
مفتخر نموده و معلوم نیست قبول آن را از
چهاراهای عجیب و غریبی تحصیل نموده
باید مالیات بدهد نه آن شخصی که پول
ندارد خانه بسازد و مجبور است اجاره نشینی
باشدبلی در آن موقع هم بنده مخالف
بودم لکن چکنم که آنوقت هم در اقلیت
بودم
اگر مثلاً امروز این لایحه بگذرد و
دوره دیگر صحبت شود آیا باید گفت که
تو در مجلس بودی و باین لایحه موافقت
کردی؟خیر بنده موافق عقیده مسلکی خودم
رفتار کرده ام و قصیری به بنده وارد نیست
آقای آقا سید یعقوب فرمودند معامله
با صوات بگذرد البته ترمیمی سعادت که انسان
دوره امام زمان را درک کند و موفق شود
در خدمت امام زمان (ص) باشد و معامله هم
با صولات کند ولی تا موقعی که بازمان با سعادت
نرسیده ایم لا اقل باید کاری بکنیم که
معاملات با نصاب بگذرد و
مالیات از روی انصاف بر اهالی تحمیل شود
و هر کس که مخارج بصره او میشود مالیات
بدهد بعضی از آقایان در قبال عریض بنده
فرمودند که آسبا مال اعیان است و تصور
فرموده اند بنده در عین اینکه حمایت از
فقرا می کنم می خواهم حقیقتاً غلظت اندازی
کرد و حمایت از اعیان نمایم
خیر اشتباه شده است همه املاک مال اعیاناست و بعقیده بنده باید روزی برسد که
کلبه املاک دولت بین خورده مالک تقسیم
شود بانکه فلاحتی در جزو مرانامه من است
صاف و ساده عرض می کنم اگر بنده اکثریت
پیدا کنم اول املاک خالصه دولت را به رعایا
می فروشم و می گویم قیمت آن را با قساق
از بابت اصل قیمت ملک و قسمتی بابت مالیات
بدهند تا رعایا متمول شوند و البته زمین که
تعلق به خورده مالک داشته باشد بهترمی توان از آن استفاده نمود و بیشتر آن
ملك را آباد می کندباینجهت در صورتی که اکثریت داشتم
این عقیده را اول در باره املاک و خالصجات
دولتی اعمال میکردم یعنی لایحه از مجلس
میکند و اندم که خالصجات را با قساق استهلاکی
به رعیت فروخته و در هر سال يك مبلغی بابت
قیمت ملك دریافت دارند تا بعد از بیست الی
سی سال رعیت عوض املاک خالصه دارای
املاک شخصی خود باشد و دولت هم که از
این ترتیب استفاده می نماید دیگر محتاج
ب اداره عریض و طویل خالصجات طهران و
ولایات نبوده و از این راه هم مبلغی صرف
دولت خواهد شد و هم اصول زندگانی
رعیت به صرفه نزدیکتر شده استاین است عقیده بنده و هر وقت اکثریت
پیدا نمایم البته این لایحه را از مجلس خواهم
گذرانم و امیدوارم دوره چهارم مجلس این
افتخار را ربوده و این کار را بکنند و ثابت
نماد که دولت نباید مالک باشد و دولت نباید
اصول مالکیت را اتخاذ نمایدرعیت باید کار کند تا املاک آباد
شود و در عمل هم دیده ایم هر کجا ملك
خرابه است یا خالصه است یا مال وقف
زیر اموالی که آباد است از آن استفاده
می نمایند و وقتی خراب شد آن را تعمیر نموده
و به حال خرابی باقی می گذارندپس چه موقعی بهتر از آن است که
باید این اصلاح قائل شویم و املاک خالصه
بین خورده مالک تقسیم نمایم تا مملکت استفاده
نموده و هم از بودجه يك قلم بزرگ مخارج
حذف شده باشداما راجع باین لایحه با وجود اینکه
در بالایش نوشته شده لایحه قانونی راجع
بمالیات طواحین مع هذا يك فصولی در آن
هست که می توان گفت این لایحه راجع
باجازه املاک دولت استاین بعقیده تقصیر نیست کسی که این
پیشنهاد را نموده وزیر مالیه است و البته
توضیح خواهد داد اگر دولت می خواهد
آتش را اجاره دهد چرا در بالای لایحه
می نویسد لایحه قانونی راجع بمالیات
طواحینالبته حالا که اینطور نوشته شده بنده
مخالف می نمایم زیرا بنده با مالیاتی که
بر ارزاق عمومی وضع شود مخالفمبه حال این لایحه از نقطه نظر قانون
گذاری مخلوط است یکجا گفتگوی مالیات
است یکجا گفتگوی اجازه استو می گوید دولت باید آب و ملکش
را اجازه بدهدشاید بنده درست ملتفت نشدم ولی
ظاهر عبارت چه از حیث ترتیب اجازه
و چه از حیث ترتیب مالیات مخلوط استآقای مخبر محترم در ضمن بیانات
خودشان فرمودند يك قدم بزرگی پیش
رفته ایم و جمع و مخارج بودجه مملکتی در ایندوره چهارم اصلاح شده است
البته که بیستون يك قدم پیش رفته است
و به خیال خودش کاری کرده است ولی بنده
صدایم را بلند کرده فریاد میزنم که هنوز
بودجه کل مملکت بمجلس نیامده است
فقط يك تقریبیاتی بمجلس آمده است کلمه
بودجه لغت فرانسه است و يك چیزی نیست که
ما اینجا اختراع کرده باشیم و آن چیز را که ما
اطلاق بر کلمه بودجه می کنیم بر خلاف
اصول بودجه ایست که در همه جامه و متداول
متداول است مثلاً يك ورقه صورت خرج
وزارت داخله یا عدلیه را می آوریم آنوقت
میکوئیم این بودجه وزارت داخله یا وزارت
هولیه استدر صورتیکه فقط بودجه بجمع و خرج
هر دو تعلق میگردد نه اینکه بگوئیم فلان
قدر خرج فلان وزارت خانه بسودجه
استما وقتی میتوانیم به يك صورتی اطلاق
بودجه کنیم که در يك صفحه صورت جمع
نوشته شده باشد و در يك صفحه صورت
خرج و مطابق قانون اساس هنوز بودجه
مملکت مبین نشدهباید صورت جمع و خرج مملکت در
پانزدهم حوت حاضر باشددر قانون اساسی مخصوصاً تصریح شده
دولت باید بودجه هر سال را در نیمه دوم
سال قبل تقدیم نماید که مجلس برای
پانزدهم حوت حاضر کند حالا اگر آقایان
وزراء این عمل را نفرموده اند آیا باز هم
تقصیر بنده است؟ معلوم می شود یا نه قانون
اساسی مراجعه نفرموده اند یا بواسطه
کثرت مشغله و فقدان وقت و فرصت بوده
استدر حال هنوز به آن ترتیبی که آمال
و آرزوی ما است یعنی به تنظیم و ترتیب
بودجه مملکت موفق نشده ایمقدم بزرگ آنوقتی است که به بینم
بودجه مملکت در يك صفحه جمع و در يك
صفحه خرج بطوریکه معمول و متداول همه
دنیا است بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده
و نظریه دولت هم در آنجا نوشته شده باشد
که چون فلان قدر کسر بودجه داریم برای
اینکه موازنه بین جمع و خرج حاصل آید
مقتضی است فلان مالیات وضع و بر ملت
تحمیل شودتمام مذاکرات اساساً در تمام دنیا به سر
جمع است که می گویند جمع را باید درست
کرد چنانچه تمام مذاکرات و مناقشات
احزاب سیاسی همه جا به سر جمع است
و در سر خرج بودجه چندان صرفی
نیستاگر کسی کتابچه بودجه را باز کرد
و ترتیب آنرا ملاحظه کند بغوی می بیند
که این یکی از اصول مسلمه است و همان
طور که در دو تا چهارتا می شود اینهم واضح
است که بودجه هر مملکت باید شامل جمع

و خرج آن مملکت باشد ولی ما يك اصل ثالثی را در مملکت خودمان اتخاذ کرده ایم یعنی بدون اینکه کتابچه جمع را به مجلس بیاورند همه روزه يك لایحه برای خرج پیشنهاد می کنند که فلان شخص بوده و فوت کرده فلان مقدار حقوق و شهریه در باره ورثه او برقرار کنند

خوب فرضاً ورثه آن شخص مستحق باشند اما باینکه من نمایانم جمع مملکت چیست چگونه می توانم رأی بدهم که يك مستحق بیچاره تری این شهریه را بر دازد آنهم با اینکه اجازات و تمیذاتی که از طرف مأمورین دولت بآن بدست میشود و مأمور دولت می رود و گردن بند را از گردن فلان زن بیچاره دهقان ورعی بدست می برد بیرون می آورد آنوقت این پول را چطور میشود محل خرج تمیذ و شهریه جمعی دیگر قرار داد.

بنده در این مدت بهیچوجه ندیده ام يك حقوق پنج تومانی برای رعیت بدست یا حمله بیچاره پیشنهاد و برقرار شود مثلاً بگویند فلان آهنگر جلو آتش پوست او کنده شده است و مرده است بنابر این خوب است يك شهریه هم در باره ورثه او برقرار شود

فقط اشخاصی که لقبای عریض و طویل یا یارک های نزهت افزای قشنگ دارند استحقاق شهریه را دارند یا فلان متول پارک دار که فوت کرده و حالا دیگر ورثه اش نمیتواند مثل سابق اتومبیل سوار شوند آنها مستحق اخذ شهریه هستند

بنده باز تکراراً عرض می کنم مادام که صورت جمع عایدات را ندیده ایم بنده نسبت به تمام اوایعی که راجع به بودجه به مجلس می آید مخالفم و رأی نخواهم داد اما اینکه آقای وحید الملک فرمودند بودجه هر سالی باید در هفتم یا هشتم سال جدید حاضر باشد و آقایان اشکال کردند که این امر غیر ممکن و محال است بنده تصور می کنم مقصود آقای وحید الملک از این اظهار این نبوده که حکماً در هفتم یا هشتم سال جدید لایحه تفریغ بودجه حاضر باشد بلکه عرض ایشان این بود و خواستند یادآوری کنند سال که بآخر رسید دولت باید جمعاً و خرجاً دفترش را ببندد و رسماً اعلان کند دفاتر سال گذشته بسته شده و مالیات سال جدید صرف خرج سال گذشته نباید بشود

مثل دفتر يك تجارتخانه که در آخر سال دو خط زیر دفترش می کشد و می گوید خرجم در این سال این بوده است که کرده ام و دخل هم فلان مقدار بود که عاید شد و همینطور باید در آخر سال دولت اعلان کند که فلان مقدار مالیات لا وصول دارم که از سال قبل باقی است و باید گرفته شود و همینطور نسبت به خارج اعضاء ادارات و غیره که هر يك باید با صورت معینی در جای

خود معلوم و معین باشد گمان می کنم مقصود ایشان از آن عبارت بسته شدن دفتر جمع و خرج دولت بوده و الا ایشان همه ماها بخوبی میدانیم که در ظرف هفت یا هشت روز که آن هم مصادف با ایام تعطیل است و تمام اوقات به دید و بازدید و ملاقات می گذرد دفتر يك دهگان بقالی را هم نمی شود مرتب و منظم کرد چه رسد به بودجه يك مملکت .

بهر حال اگر مقصود آقای وحید الملک هم این نبود مقصود بنده اهم از اینکه سوء تفاهم بشود یا نشود همین است که در آخر هر سال دولت دفترش را ببندد و جمع و خرجش را معین کند بقایای مالیاتی سال گذشته را بخرج سال آینده بیاورد و مراتب را اعلان کند.

بطوریکه مکرر در اینجا گفته شده اساس مشروطیت و مجلس بر سر بودجه است اگر بودجه درست و مرتب شود هیچوقت دوره فقرت پیش نخواهد آمد

اگر آقای وزیر در موقعی که می خواستند این لایحه را پیشنهاد کنند از بنده سؤال میکردند برای اینکه این لایحه خوب واضح باشد و هیچ نوع سوء تفاهمی نشود عرض می کردم خوب است این لایحه بطور دیگری نوشته شود و گویا آقای حاج شیخ اسدالله بودند و فرمودند این لایحه اگر تصویب شود بصره رها یا خواهد بود و اگر تصویب نشود بیشتر می گیرند و يك نفر دیگر از آقایان فرمودند در سواجلاغ مأمورین نسبت بر رها یا تعدی و اجحاف میکنند

خدا ما را از شر این مأمورین و از دست تعدی این ها خلاص و آسوده کند که والا خودمان که تابعان نتوانستیم خودمان را خلاص کنیم

بهر حال خوب بود این لایحه بطور دیگر نوشته شود مثلاً همانطور که آقای اقبال السلطان مختصر توضیحاتی دادند آقای وزیر هم خوب بود توضیح میدادند و مرقوم می فرمودند در املاک خالصه اولاً چند آب موجود است و مالیاتی که از آنها گرفته می شود بالغ بر چه مبلغ است مثلاً يك ثلث است دو عشر است . يك عشر است .

همه اینها را خوب بود معین میکردند که جمع این عوائد رو به رفته این مبلغ می شود

و ما حالا می خواهیم يك عشر دو عشر گرفته شود و در نتیجه این پیشنهاد تخفیفی بفقراء داده می شود آنوقت شاید بنده درست تطبیق می کردم وقتی که این فرقی را در تحت عدد میدیدم و تصور میکردم تخفیفی بفقراء داده میشود

شاید کمتر مخالفت می کردم ولی حالا

مطابق نطقی که موافقین محترم فرمودند همچو معلوم می شود که در بعضی جاها يك عشر می گیرند و در بعضی جا های دیگر دو عشر گرفته می شود و در بعضی جاها هم هیچ نمی گیرند

خوب با این حال بنده چرا رأی به دو عشر بدهم و تعدی به آن بدست ها بکنم .

بعلاوه خوب بود آقای وزیر اینجا معین می فرمودند از تصویب این لایحه بر بودجه عمومی چه قدر فایده میرسد یا بالعکس چه مبلغ خسارت هاید میشود

و چه مقدار از این کار بر بودجه افزوده شده و بدولت نفع میرسد

آنوقت ما از نقطه نظر تعدیل بودجه

هم که بود موافقت کرده و این لایحه را تصویب می کردیم و از این گذشته موافقین محترم این لایحه هم که با ما مخالفند اسلحه قوی پیدا می کردند (و همانطور که آقای وحید الملک فرمودند در دوره دوم مالیات وضع می کردیم که از فرض خلاص شده و کمتر از اجانب استقراض کنیم) در این صورت آقایان مخالفین هم می توانستند با حمله کنند و بفرمایند از نقطه نظر تعدیل بودجه و خلاص شدن از شر قرض هم که شده باید این لایحه را تصویب کرد آنوقت ما هم تصویب می کردیم زیرا می دانستیم فلان مبلغ معین صرفه ما است و بر بودجه افزوده خواهد شد شاید این مراض بنده در خارج تصور شود حمله بدولت با استیضاح از دولت است.

خیر؟ مقصود بنده حمله بدولت نیست وقتی که مجلس با اکثریت رأی اعتماد بدولت داد باید با دولت در تمام کارها شرکت کرده و در اصلاح امور باید مسئولیت مشترك داشته باشند و صادقانه با هم کار کنند .

ولی در عین حال بعقیده بنده دولت آن است که عیب آدم را در جلور و بگوید نه اینکه تماشای اظهار کند به به مرحبا چه کار خوب کردی زیرا از به به گفتن و تحسین کردن کار اصلاح نمیشود این جا گفتگوی عمومی است گفتگوی شخصی نیست

دو هر حال بعقیده بنده مادام که بودجه کل مملکتی جمعاً و خرجاً به مجلس نیامده ما نمی توانیم باین فییل لوایح رأی بدهیم حالا اگر اکثریت مجلس رأی میدهد آزاد و مختار است بنده باندازه سهم خودم عرض می کنم تا بودجه کل مملکت که شامل جمع و خرج باشد به مجلس نیامده نباید باین لوایح رأی داد ما بمنزله ناظر هستیم و باید بدانیم این وجوهات بچه مصرف میرسد .

شاید ما زیادی داشته باشیم ولی حالا که نمیدانیم هنوز صورت جمع را بطوری که باید ندیده ایم چرا مالیات جدیدی وضع

کنیم .

اول ما باید عایدی خودمان را ببینیم اگر کم داشتیم آنوقت مالیات وضع کنیم يك کسی ادعا می کرد و میگفت (شاید هم صحیح می گفت)

دولت برای معارف مملکت يك شاهمی نمیدهد بنده تعجب کردم و گفتم چطور ممکن است در صورتی که ما بیست و سه هزار تومان برای معارف تصویب کردیم گفت اشتباه می کنید در بودجه جمع صد يك حقوق را منظور نکرده اند بیست میلیون مخارج ما است و این بیست میلیون دو بیست هزار تومان صد یکش می شود و آنوقت تومانی يك عباسی هم می گیرند خرواری یکقران هم می گیرند

همه اینها را وقتی که جمع کنیم شاید چهارصد هزار تومان بتوان مالیات تعارفی از این مملکت پول می گیرند با این حال آنوقت مواجب و حقوق معلم بیچاره فلک زده همیشه تأخیر می افتد و می گویند پول نیست در صورتی که این يك معلی است که اختصاص بمعارف داده شده است

حالا از تمذیبات مأمورینی هم بگذریم از پنج من گندم رعیت بیچاره هم همان يك قران را صکه از يك خروار می گیرند دریافت می دارند همه اینها بجای خود

حالا آمدیم در سر آب خالصه اولاً باید فهمید این آب خالصه فئات است یا رودخانه چون یک قدری فرق می کند ولی هیچ معلوم نیست کدام يك از اینها است بعضی از آقایان استدلال می کردند بر اینکه چون سایر مالکین آسیابها در املاک شخصی خودشان نسبت به مستأجرین ظلم می کنند ما هم باید آن تعدی را یاد گرفته و در املاک خالصه که اختیارش با ما است معمول داریم شاید بنده درست ملتفت نشده ام اگر

آقایان خبردارند که مالکین ظلم می کنند خوب است بر علیه آنها قیام نمایند و نگذارند تعدی کنند و يك مجازاتی برای آنها معین کنند که نتوانند ظلم کنند واقعاً هر کس مالك شد رعیت را نخریده که پوست آن بیچاره را بکنند مالك ملك فقط بمنزله يك پولدار سرمایه داری است که سرمایه اش همان زمین است و بدستخدا دامنگیر آن بدست رعیت شده که در ملك يك صاحب زور اقامت کرده و متوطن شده است حالا آیا سزاوار است آن صاحب ملك همه روزه بآن رعیت بدست ظلم و تعدی کند یا بعنوان اینکه من صاحب ملك هستم اجحاف نماید چون بنده با مالکین محشور نیستم و

از این موضوع هم اطلاع ندارم عرض می کنم اگر آقایان خبردارند مالکین تعدی بر عایای خود می کنند خوب است جلو گیری کند نه اینکه ما هم تقلید این عمل زشت

را کرده و خودمان این رسم را معمول داریم.

بعلاوه در اینجا يك ماده نیست که پس از آنکه اکثریت این لایحه را قبول کرد بموجب آن ماده مالیاتهای معموله سابق نسخ و مافی شود و در این لایحه اینقدر دقت نشده که وقتی يك مالیاتی وضع می کنند اقلاً آن مالیات های سابق ملغی شود.

چون بدبختانه ما يك مأمورینی داریم که همیشه عمل با احتیاط میکنند یعنی هم مالیات سابق را بعنوان اینکه مجلس لغو نکرد می گیرند و هم مالیات جدید را از نقطه نظر اینکه مجلس وضع کرد دریافت می دارند.

پس بعقیده بنده ضرری ندارد مام عمل با احتیاط را جائز شمرده و این ماده را تفسیر کنیم و بگوئیم فقط همین مالیات باید گرفته شود و آنها که سابقاً معمول بود کاملاً لغو و از درجه اعتبار ساقط است زیرا اگر ما اینکار را نکنیم باز بدبخت رعایا هم روزه چهارم ظاهر و تمهیدات مأمورین شده و تا بخواهند بمرجع نظام رفته احقاق حق خود را بخواهند بخدا رسیده اند.

در مملکتی که هنوز روابط کارگر و رعایا با مالکین معلوم نیست در هر مملکتی که هنوز می شنویم مالک فقط برای اینکه مالک ملک است رعیت بدبخت را بفلك بسته او را چوب می زند و خیال می کند رعیت غلام و زرخیز او است و حال آنکه غلام فروشی دردناک موقوف و منسوخ شده است در چنین مملکتی خوب است وقتی که مالیاتی وضع می شود مخصوصاً قید و تصریح شود که مالیات سابق لغو است و الا مأمورین بازار مردم چند مقابل بعنوان مختلف دریافت خواهند کرد.

فرضاً مردم هم شکایت بکنند چه اثری خواهد داشت

زیرا پس از آنکه شکایاتی بمجلس رسید مجلس ناچار است بوزارتخانه مربوطه رجوع کند وقتی هم که وزارتخانه از آن مأمور سوال می کند و مراتب را استعلام می نماید جواب می دهد بخدا قسم دروغ و کذب است و قضیه بهمین شکل از بین می رود یکی از آقایان فرمودند از سایر جاها پول می گیریم و خرج اداره ارزاق می کنیم بنده بکلی مخالف این اداره ارزاق طهران هستم چرا اهالی طهران عزیز بی جهت شده اند.

بچه جهت باید چندین هزار تومان از سایر رعایای ستمدیده و بدبخت این مملکت بگیریم و در اداره ارزاق بجانب مسووفلان بهیم که بیل و اراده خودش فلان کار را بکنند بنده شنیده ام يك مأموری فرستاده اند بیست هزار خروار جنس بخرد و باو گفته اند از این بیست هزار خروار جنسی که برای

اداره ارزاق میخردی خرواری یکتومان حق العمل بتو خواهیم داد خوب چه کاری است از این بهتر

بافرض اینکه این مأمور هیچ تقلب هم نکند و بانهایت صحت و درستی اعمال وظیفه نکند باز دویك مأموریت مختصر بیست هزار تومان از بابت خرواری یکتومان کیش می آید.

این کار واقعاً از وزارت بهتر است که یکنفر مأمور دولت از اینجا بخرق برود بیست هزار خروار جنس بخرد آنوقت علاوه بر حقوق دیوانی و مخارج مسافرت يك قلم بیست هزار تومان در ظرف قلیل مدتی به عنوان حق الزحمه و حق العمل مأخوذ دارد.

اگر این راست باشد حقیقتاً چیز غریبی است با فقدان مالیه و کمی بودجه این قسم حق العمل ها مسئله عجیبی است.

مانند این که تمام ایران هستیم و حقوق تمام رعایای ایران را خواهد در سیستان خواه در آذربایجان و بالاخره شمالاً و جنوباً شرفاً و غرباً باید محفوظ داشته و از هر قسم تفریط کاری جلوگیری کنیم.

چرا پول و دسترنج آنها باید صرف اهالی طهران یعنی این عزیزان بی جهت بشود شاید این برای این است که اشراف و اغنیاء در طهران زیاد ترند و برای آنها مشکل است در ناز و نعمت و در فراوانی و هزل نباشند باید رعیت جام خراسان یا مغان و یا کرمانشاهان در نهایت سختی و در کمال عسرت و ویریشانی زندگانی کند و آنوقت از حاصل و دسترنج آنها اهالی طهران بهره مند و متمتع شوند.

بنا بر این بنده مخالف این ارزاق طهران هستم شاید بعضی ها تصور می کنند اگر این اداره ارزاق امروزه را برداریم در طهران قحطی می شود.

خوب در کرمانشاهان که اداره ارزاق نیست آیا قحطی است ؟ اگر نبودن اداره ارزاق مستلزم با قحطی است پس چرا در همدان و اصفهان و بالاخره نقاطی که دارای اداره ارزاق نیستند قحطی نیست اگر چه وقتی که بنده شروع بعرض عرایض میکنم وقت مجلس را تضییع می کنم.

یک نفر از نمایندگان - صحیح است.

سلیمان میرزا - بلی صحیح است.

خودم هم میدانم صحیح است یعنی زیاد حرف می زنم.

اما گمان می کنم همه آقایان اینکار را می کنند.

در حال بنده تصور می کنم از حلقوم موکلین و از طرف کسانی که تحت فشار و مضیقه هستند فریاد می زنم و چون دست خود آنها نمیرسد که بگویند چرا باید با

وضع این مالیاتها بما تحمیل شود یا چرا بودجه مملکت خودمان را از جمع و خرج نمی دانیم لذا بنده از طرف آنها این عرایض را می کنم و فریاد میزنم بدبخت مردم. بدبخت فقرا.

بیچاره ضعیفاء و کسانی که دزدوایای خیابان می میرند و برای تظلم و احقاق حق خود بمقامات عالی دست رسی ندارند و چون پول ندارند در عدلیه همیشه محکوم شده و مقهور سر پنجه ظلم مأمورین هستند.

آن بیچاره مردم وقتی که مالیات می دهند باید بدانند بچه مصرف میرسد وقتی که مالیات از آنها گرفته میشود باید بهیرو صلاح آنها صرف شود نه اینکه بعضی دود بعضی اهالی اصفهان و طهران باهم فرقی ندارند مسئولیت و مصونیت همه آنها بمعده ماها است.

و باید سعی کنیم این بار سنگین را که بدوش گرفته و عهده دار آن هستیم بانجام رسانده و وسائل ترفیه و آسایش آنها را از هر جهت فراهم آوریم.

که تمام اهالی ایران نان خوب بخورند نه تنها اهالی طهران.

این است که بنده عرایض خود را خلاصه کرده و تکراراً عرض می کنم بنده با این لایحه مخالفم مشتمل بر چهار ماده است مخلفم.

زیرا اولاً مقدماتش با آن اصول و ترتیبی که باید نوشته شود نوشته نشده است چون می خواهم از روی اطمینان برای بدهم و بدانم در این رأی من چقدر فایده بدولت میرسد یا چقدر از زحمت رعایا کم می شود.

زیرا بنده بیشتر اهمیت باین مسئله دومی می دهم.

بفایراین چون این مراتب را نمی دانم با این لایحه مخالفم.

بعضی ها می گویند در ساوجبلاغ از آسیابهای خراب هم مالیات می گیرند نموده باقی مکرر این شمر شیخ علیه الرحمه را که می گوید.

از ده ویران که ستاید خراج فراموش کرده اند.

چقدر خوب بود مرحوم شیخ حالا زنده می شد و می دید که از يك ده خراب از رعایای بیچاره بپا اینکه وکیل در مجلس دارند ده قسم مالیات می گیرند و بعلاوه خود این مواد مخلوط نوشته شده زیرا بعضی از راه اجاره است و بعضی از راه مالیات و دیگر اینکه در صورت تصویب این لایحه باید تصریح شود مالیاتهای سابق لغو است و هیچ در اینجا اشاره نشده است بالاتر از همه چون بودجه کل مملکتی بمجلس نمانده لذا بنده مخالفم.

ما باید لا ینقطع ذکر بگیریم و بودجه

کل را از دوات بخواهیم که هر چه زودتر بمجلس بیاورد تا جمع ما معلوم شود بدانیم چقدر پول می گیریم آنوقت اگر خرج بردخل زیادتی کردیم ممکن است مالیات جدیدی وضع کنیم و اگر نه جمع ما مثل همان حساب معارفی است که بعرض آقایان رساندم چرا تحمیل تازه بر ملت بکنیم فرضاً هم که مالیاتی وضع کنیم باید برای اضافه مدارس تصویب کنیم و يك قدری معارف را وسعت و بسط دهیم والا مادام که بودجه کل به مجلس نیامده با وضع هر گونه مالیاتی بنده مخالفم.

و از مالیات بر اغنیاء هم باشد که آمال و آرزوی من است.

زیرا فلسفه حکومت شوروی و اصول مشروطیت برای این است که از تفریط کاری هائی که بنام وضع مالیات بر رعایای بیچاره می شود حتی الامکان جلوگیری کرده آنها را از زیر بار گران تعدی خلاص کرد.

برای چه بود که رعایا و مردم می خواستند از زیر بار استبداد و سلطه و اراده مطلقه سلاطین و پادشاهانی که بیل خود وضع هر گونه مالیات و تعدی بر ملت میکردند و باراده سینه می بخشیدند و خرج می کردند در بردند و شبانه تهی کنند برای چه بود که اساس حکومت شوروی را می خواستند که برای این بود که بدانند جمع و خرجشان چیست و بالاخره از کیفیت دخل و خرج مملکتشان اطلاع داشته باشند بنابراین وظیفه و کالتی بنده است این عرایض را اینجا از طرف موصکین خود عرض کنم.

ما باید سعی کنیم در این دوره چهارم تقنینیه بودجه کل را بمجلس آورده در آن مطالبات عمده نمایم و بودجه را تعدیل کنیم و در واقع این افتخار را در این دوره بر بایم که به بینم اگر کسر داریم فکری کنیم و مالیاتی وضع کنیم و اگر هم زیاد داریم چندی به رعایا به بخشیم چنانچه سلاطین سابق هم در ایام صلح و صفا و در اوقاتی که جنگ و منازعه با دولتی نداشتند مالیات را یکسکال یا بیشتر بر رعایای خود می بخشیدند که در نتیجه آنها راحت و آسوده باشند حالا آن کاریکه آن ظالمین میکردند ما که نمایندگان هستیم چرا نکنیم.

بنابراین بنده با این لایحه باین دلائلی که عرض کردم مخالفم تا آقایان موافقین و مخیر معترض چه جواب فرمائید و عرایض بنده را چه قسم تمییز نمایند.

وزیر مالیه - چون در اطراف این لایحه صحبتی از بودجه مملکتی شد لذا بعضی اطلاع آقایان عرض میکنم که گمان میکنم بودجه جمع و خرج مملکتی با صورت جز آن تا آخر حمل به مجلس تقدیم گردد.

رئیس - چون مدتی از شب گذشته در صورتی که آقایان موافق باشند بقیه مذاکرات بماند جلسه آینده
جلسه آینده روز پنجشنبه ۳ ساعت قبل از غروب و دستور آن بقیه مذاکرات در لایحه که مطرح است

شیخ الاسلام اصفهانی اجازه می فرماید؟
رئیس - بفرماید

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده دوقدره سؤال از آقای وزیر عدلیه داشتم ولی ایشان تشریف نیاورده اند چون باید اصل دوم و بیست و هفتم قانون اساسی محفوظ باشد.

در قانون ثبت اسناد بعضی تصرفات شده است که با اصول قانون اساسی مخالفند لذا اجازه فرمائید در جلسه دیگر تشریف بیاورند و جواب بنده بدهند.

رئیس اطلاع داده خواهد شد که روز پنجشنبه حاضر شوند. (مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه هشتاد و سوم

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه نهم برج حمل ۱۳۰۱ مطابق غره شعبان المعظم ۱۳۴۰ مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم ۳ شنبه هفتم حمل را آقای سهام السلطان قرائت نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - بنده با اصل لایحه الحاق آب کارون به زاینده رود موافق بودم نهایت با این شکلی که به مجلس پیشنهاد شده بود مخالف بودم و در صورت مجلس بنده را بکلی مخالف نوشته اند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) محمد هاشم میرزا - گمان میکنم نطقی که شاهزاده سلیمان میرزا در موضوع خالصجات فرمودند این بود که خالصجات بترتیب بانک فلاحی برهیا و زارین فروخته شود و قیمت آنها بطور استهلاك دریافت شود و بنظر بنده معنی این کلمه با اینطوری که در صورت مجلس ذکر شده که خالصجات برهیا و گذار شود فرق دارد

رئیس (خطاب با آقای حائری زاده) ایراد جنابعالی وارد نیست در اینجا چنین چیزی نوشته نشده که شما با (اصل لایحه مخالف بودید مجدداً قرائت می شود ملاحظه بفرمائید)

(آقای سهام السلطان يك قسمت از صورت مجلس را بشرح ذیل قرائت نمودند) آقایان گروسی و حائری زاده اظهار می نمودند در صورت عدم موفقیت بالحاق آب مزبور به زاینده رود نیایستی این وجوه با مالی تحویل شود

حائری زاده - بعد از این يك موضوع دیگری است که نوشته شده فلانکس بکلی مخالف بوده است

رئیس - بعد از جلسه مراجعه بفرمائید اگر چنین چیزی بود اصلاح می شود.

می شود چند فقره لایحه از طرف دولت رسیده است که عرض می کنم و پس از آن بکمیسیونهای مربوطه ارجاع میشود اول لایحه راجع بکنتراک یک نفر برای مدیریت ضرابخانه ارسال می شود بکمیسیون بودجه و قوانین مالییه. لایحه دیگر راجع باستخدام دوازده نفر مستخدمین بازرگانی برای کدک این یکی هم به کمیسیون بودجه و قوانین مالییه فرستاده می شود.

دوسه فقره لایحه دیگر راجع بتقاضای شهریه از ده الهی بیست تومان این هاهم به کمیسیون بودجه ارسال می شود.

يك فقره دیگر راجع بتفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی و دیگری راجع بدهاوی مردم نسبت بخالصجات دولتی آنکه راجع به تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی است گمان می کنم باید مراجعه شود به کمیسیون عدلیه چون راجع بمطبوعات است اگر آقایان مایل هستند قرائت و بعد بکمیسیون مراجعه شود.

(بعضی اظهار نمودند قرائت شود)

آقای سهام السلطان لایحه راجع به تفسیر اصل ۷۹ قانون اساسی را بشرح آتی قرائت نمودند:

مجلس مقدس شورای ملی

شبه الله ارکانه

اصل ۷۹ متمم قانون اساسی حاکی است که در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود

اگر چه با توجه به علت حضور هیئت منصفه در محاکم اصل مزبور روشن و محتاج به تفسیر نیست زیرا فقط در مواردی که جرم از نقطه نظر نظم و حقوق عمومی دارای حیثیت عمومی بوده و قطع نظر از مدعی خصوصی مدعی العموم عهده دار اقامه دعوی و تعقیب می باشد.

ممکن است دولت راجع به محکومیت مجرمین و عدم محکومیت و یا شدت وضع مجازات آنها دارای نظری باشد و از این حیث ضمانتهای بیشتری برای استقلال رای و بی طرفی محکمه لازم آید ولی در جرایمی که بیشتر دارای حیثیت خصوصی بوده و تعقیب آنها از طرف مدعی العموم مشروط با اقامه دعوی از طرف مدعی خصوصی است احتمال اعمال نفوذ و قوه اجرائیه در قوه قضائیه مستبعد است.

پس در موارد اولی یعنی در موارد سیاسی است که با حضور منصفین از هر نوع اعمال نفوذ فرضی در محاکمه باید جلوگیری بعمل آید.

با احراز این اصل که در زمینه تقصیرات سیاسی کاملاً مورد پیدا می نماید آن قسمت از اصل ۷۹ که راجع بمطبوعات است قدری بنظر مبهم آمده و عبارت محتاج به تفسیر است.

آیا مقصود مقنن این است که در مورد محاکمه کلبه تقصیرات مطبوعات باید

ایراد شاهزاده محمد هاشم میرزا هم اصلاح منصفین فقط در موارد تقصیرات سیاسی مطبوعات یعنی تقصیراتی که دارای حیثیت عمومی است لازم می باشد؟

اگر شق اول را تصور نمائیم عملاً دچار نتیجه های غیر منطقی خواهیم شد مثلاً اگر شخصی هتک شرف کسی را شفاهاً یا کتباً نموده و یا کسی را مورد تهمت قرار داده باشد مدعی خصوصی می تواند آن شخص را در محاکم عادی بدون حضور هیئت منصفه تعقیب نماید.

ولی اگر همان هتک شرف یا تهمت در يك روزنامه طبع و منتشر شده باشد موافق این نظر محاکمه آن منوط بحضور هیئت منصفین می شود و حال آنکه هیچ دلیل منطقی ندارد.

مسلماً مقنن این نظر را نداشته و مقصود از اصل ۷۹ قانون اساسی که حضور هیئت منصفین را در محاکم عدلیه قید کرده راجع بتقصیرات سیاسی مطبوعات بوده است زیرا که این تقصیرات بیشتر دارای حیثیت عمومی است.

نظر باین که وزارت عدلیه تقدیم لایحه قانونی راجع به محاکم با حضور هیئت منصفین در نظر دارد قبلاً تفسیر اصل ۷۹ را لازم شمرده و معتقد است که باید اصل مزبور بدین طریق تفسیر شود.

در موارد تقصیرات سیاسی که مطابق قانون معین میشود و تقصیرات مطبوعات که مخالف نظم و حقوق عمومی و اصول مستقره مطابق قانون اساسی بوده و بدین واسطه دارای حیثیت عمومی است هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

رئیس الوزراء - امضاء حسن مشیر الدوله محل مهر ریاست وزراء امضاء: عبدالعزیز سردار معظم محل مهر وزارت عدلیه اعظم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسد الله مقصود چه جزاست؟

حاج شیخ اسد الله - بنده عقیده ام این است که تفسیر اصل قانون اساسی را نمی شود بکمیسیون مراجعه کرد باید در خود مجلس مطرح گردیده و قضیه حل شود و اگر پیشنهادی در اطراف هیئت منصفه از طرف دولت رسیده است باید بکمیسیون مراجعه شود و الا مسئله تفسیر باید در خود مجلس مطرح شود و بکمیسیون رجوعی ندارد و نباید مراجعه شود.

رئیس - بتعقید بنده قبل از آنکه هر لایحه در مجلس شورای ملی مطرح شود مقتضی است که برود بیک کمیسیون بعد از آن در مجلس مطرح شود.

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای کا زرونی

(اجازه)

هیئت منصفین حاضر باشند یا حضور هیئت میرزا علی کا زرونی - نظر به اینکه تفسیر قانون اساسی منحصراً حق مجلس شورای ملی است گمان می کنم فرستادنش به کمیسیون عدلیه مناسبت نداشته باشد و بر فرض لازم بدانند که قبلاً هم بیک کمیسیون برود باید بیک کمیسیون خاصی مراجعه شود

رئیس - اینکه عرض شد بکمیسیون برود مقصود این نیست که مثل سایر لایح در این جا برود و بشکل قانون موقتی در آید و بمجلس بیاید غرض این بوده است که در يك کمیسیون در اطراف آن مطالعه بشود و راپورتش بمجلس بیاید و حالاً اگر مجلس با کمیسیون عدلیه موافق نیست ممکن است يك کمیسیون خاصی معین کنند و به اینجا مراجعه شود آقای سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم که بکمیسیون خاصی برود زیرا این مسئله در واقع راجع به عدلیه است و عقیده بنده این است که باید بکمیسیون عدلیه مراجعه شود و از کمیسیون عدلیه به مجلس راپورت بدهند.

رئیس - پس رای می گیریم که بکدام کمیسیون برود

حاج شیخ اسد الله - اول باید رای بگیریم که بکمیسیون برود یا نه؟

رئیس - رای می گیریم که این لایحه بکمیسیون برود یا نه؟ آقایان بیکه موافقت به يك کمیسیون برود قیام نمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است معلوم می شود که باید بکمیسیون برود حال رای می گیریم که بکدام کمیسیون برود اول رای می گیریم که بکمیسیون عدلیه مراجعه شود یا نه؟ آقایان بیکه موافقت بکمیسیون عدلیه برود قیام فرمائید

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد که بکمیسیون عدلیه بروی و هشت نفر از هفتاد و سه نفر رای داده اند. يك فقره لایحه دیگر رسیده است راجع بتعمین تکلیف دوست و سی چهار تومان تغذیه مالیات قریه ندوشن یزد اینهم باید بکمیسیون بودجه رجوع شود. آقای کا زرونی از آقای وزیر مالییه راجع به محاسبه آصف الملک سؤالی داشتند.

آقا میرزا علی کا زرونی - میرزا قاسم خان شیرازی ملقب به آصف الملک که چند سال قبل مأمور مالییه اصفهان بوده چنانچه مشهور است و شاید آقایان که بامور مالییه مربوطند متسبوق باشند که در اطراف ایشان بعضی حرفها زده شد و گفتند که سبصد هزار تومان از مالییه اصفهان اختلاس نموده تا اینکه بالاخره جالب به

مرکز شد و بر حسب اطلاعاتی که بنده از اشخاصی خیلی موثق و مربوط تحصیل کرده‌ام بموجب اعتراضی که خودش کرده است مبلغ پنجاه هزار تومان مدیون است بنده خیلی متعجب هستم و نمی‌دانم علت چه چیز است که این اشخاصی که از طرف دولت ماموریت پیدا می‌کنند هر قدر هم اغتلاص کنند باسرفتن نمایند معذرت تعقیب نمی‌شوند حالا خواستم از آقای وزیر سؤال کنم که آیا در این موضوع اطلاعاتی دارند یا نه؟ و آیا اینطور که بنده شنیده‌ام و اخلاص حاصل کرده‌ام صحیح است یا نه و لازم می‌دانند که احضار و تعقیبش کنند یا خیر؟

وزیر مالیه -- راجع به حساب میرزا قاسم خان شیرازی در محاسبات وزارت مالیه مشغول رسیدگی هستند و بعد از رسیدگی بدیهی است که دولت در مجازات او اقدام خواهد کرد و در این مدت هم مکرر اقدام و شروع بر رسیدگی شده بود ولی بواسطه بعضی مداخلات موقوف گردید و معطل مانده بود تا بعد از آنکه بنده متصدی مالیه شدم تا کبد کرده‌ام که این قضیه را تعقیب نموده و رسیدگی کنند حالاً هم مشغول رسیدگی هستند البته بعد از رسیدگی نتیجه اطلاع داده خواهد شد

آقای میرزا علی کازرونی - بنده رجاستم که در این قبیل موارد اشخاصی که مظنون هستند یا حقیقه مقصر هستند تعقیب و مجازات شوند که بعد از این مالیه مملکت تقریباً نود و مردم از در خیانت در می‌آیند

رئیس - آقای حاج مقبل السلطنه از آقای وزیر مالیه راجع به مالیات‌هایی که امنای مالیه برخلاف مقررات قانونی از رعایا می‌گیرند سؤالی دارند

حاج مقبل السلطنه - اگرچه از موقعی که بنده این سؤال را کرده بودم تا بحال مدتی گذشته و مذاکراتی هم در این باب بود که گمان می‌کنم دیگر جای سؤال بنده نباشد ولی باز تا کبد عرض می‌کنم که این مالیات‌های غیرقانونی که مامورین و امنای مالیه در ولایات از مردم می‌گیرند آیا بامر وزارت مالیه است یا خودسرانه می‌گیرند؟

وزیر مالیه - خوب است مواردش را معین فرمایند که از چه قبیل است علاوه وزارت مالیه هیچ حکمی برای دریافت مالیات غیرقانونی نداده است

حاج مقبل السلطنه - مالیات مواش و سرشماری و خانواری و مالیات‌هایی که باملاک جدیدالنسق می‌بندند از این قبیل مالیات‌های خیلی می‌گیرند و از شکایات ترشیز و کونا بادهم که خاطراتان مستحضر است و تلگرافاتی را هم که مغایره شده البته ملاحظه فرموده‌اید

رئیس -- شکایاتی که رسیده بود به وزارت مالیه مراجعه شده است ولی چون جدیداً مراجعه شده شاید وقت پیدا نکرده‌اند که بدقت ملاحظه فرمایند

وزیر مالیه -- در موضوع مالیات های مواش که فرمودند مطابق اطلاعاتی که بنده از خراسان دارم مالیات‌های جدیدی گرفته نشده و همان جزو جمع‌های سابق بود ولی در بعضی جاها چون هنوز وصول و اجرا نشده بود حالا مشغول گرفتن و اجرا کردن شده‌اند و ابتدا مالیات تا زمان نسبت و نیز از طرف وزارت مالیه پیشکار مالیه خراسان تلگراف شد که اگر مالیاتی در جزو جمع نیست اخذ نکنند

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا هم گویا این سؤال را داشتند

محمد هاشم میرزا - بلی ولی بنده منتظر نتیجه هستم وقتی جواب از خراسان رسید آنوقت اگر محتاج شد سؤال را تعقیب می‌کنم

رئیس - لایحه قانونی راجع به طوافین مطرح است آقای حاج شیخ اسدالله موافق هستید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در جلسه سابق آقای وزیر مالیه فرمودند که مالیات طوافین با حق المساء و حق الارض که موضوع است بنده هم میدانم که موضوع است ولی در لایحه که از طرف دولت پیشنهاد شده است هر که موضوع پیش بینی شده و کمیسیون مالیات طوافین را مسکوت عنه گذاشته و فقط راجع به حق المساء و حق الارض اظهار عقیده کرده در ماده اول پیشنهادی دولت مبنی بر است از عایدات طوافینی که در اراضی اربابی و مجاری آب خالصه بنا شده است یک عشر بابت حق المساء و یک عشر هم بابت مالیات معموله باید دریافت شود) و در ماده اول راپورت کمیسیون نوشته شده (از عایدات خالص طوافینی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه سکار میکنند یک عشر بابت حق المساء دریافت میشود) و راجع به مالیات معمولی هیچ اظهار عقیده نکرده است در صورتیکه یک مالیات‌های بی ترتیبی از مالکین طوافین گرفته میشود مثل بعضی از طوافین که چون مجرای آب را از طرف آنها تغییر داده‌اند و با اثر افتاده است مطابق جزء جمع قدیم از آنها مالیات گرفته می‌شود و لازم بود که کمیسیون در این باب نظریه اتخاذ کند و این مجلس باید وسائل رفع این ظلم و تعدیها را فراهم کند بدینسانه در این لایحه که دولت پیشنهاد کرده و به کمیسیون مراجعه شده کمیسیون مسئله مالیات را مسکوت عنه گذاشته است دیگر اینکه این مذاکره شد که دولت از بابت

حق المساء و حق الارض اجازه می‌گیرد و بنده عرض میکنم دولت بهر عنوان پولی حقه بگیرد از قبیل مال الاجاره باغات دولتی یا مال الاجاره دیگر هر پولی وقتی که وارد خزانه دولت شد مالیات است و فرقی نمی‌کند چه ما اسمش را مالیات بگذاریم چه مال الاجاره ولی يك مطلب است که باید عرض کنم حالا که کمیسیون راجع بطوافین خالصات اظهار عقیده کرده بنده باین مناسبت عرض میکنم که اصلاً نمیدانم مشغول خالصات چیست؟ چندی قبل هم راجع به تعدید خراسان بنده سؤالی از آقای وزیر مالیه کردم و هنوز در آن موضوع هم جوابی نداده اند بعد حس کردم وزارت جنگ دخالت در مالیات غیر مستقیم و خالصات میکند

در صورتیکه وزارت جنگ دخالت در خالصات میکند این لایحه را وزارت مالیه پیرا پیشنهاد نموده است؟

بنده نمی‌فهمم وزارت جنگ که حق دخالت در مالیات ندارد امور مالیه با وزارت مالیه است (بعضی گفتند صحیح است) و یکی دیگر از نواقص این راپورت کمیسیون این است که نوشته از عایدات خالص طاحونه و این عایدات اعم است از عایدی که بمالك میرسد یا عایدی که به کارگر و مزدور طاحونه قسمت می‌شود پس این مطلب هم بنده در این لایحه تصریح شده که از عایدات خالص که مالك طاحونه میبرد يك عشر بابت حق المساء و يك عشر بابت حق الارض و غیره باید بپردازد و مطلق نوشتن عایدات ممکن است سبب شود که بعضی مأمورین احتیاط کار از کلیه عایدات طاحونه عشریه مطالبه کنند اعم از سهم مالك یا سهم مزدور پس خوب است این جمله را تصریح کنند که (از عایدات خالص مالك طاحونه) و از يك جهت دیگر هم این لایحه نقص دارد که مقدار مالکیت دولت را معین نکرده است یعنی باید تصریح کند که تمام آب یا زمین راجع بدولت باشد عشر گرفته میشود زیرا ممکن است يك سهم از هزار سهم فتائی را دولت مالك باشد

البته در این صورت نباید دولت عشر بگیرد و در این قانون چون این مطلب را مسکوت عنه گذاشته اند ممکن است مأمورین و مباشرین مالیه از طوافین که در مجرای این قبیل فتوات واقع شده‌اند از بابت حق المساء عشر دریافت کنند پس باید این جمله هم تصریح شده یعنی يك تبصره بعد از ماده سوم لازم است نوشته شده که (این حق الارض و حق المساء در صورتی از مالك طاحونه مطالبه می‌شود که تمام آب یا زمین طاحونه متعلق بدولت باشد) و آنوقت مالکین و رعایا بزحمت نمی‌افتد والا همانطور که عرض کردیم ممکن است فتوائی باشد که يك سهم از هزار سهم مال دولت باشد و بموجب

این قانونی که حالا داریم مذاکره میکنیم ممکن است پیشکاران مالیه که احتیاج کار هستند برعایا و مالکین تعقیب کنند و از آنها مطالبه عشریه بنمایند

بهر حال این اصلاحاتی را که عرض کردم این لایحه لازم دارد

رئیس - باید عرض کنیم که در این ماده هم میتواند در خود ماده حرف بزند و هم در اساس لایحه مذاکره کند ولی اگر نواقص می‌بینید که بطور ماده العاقیه باید اصلاح شود تا رفع آن نواقص کرده در آن موضوع اینجا نمی‌شود حرف زد فعلاً در خود ماده اگر اعتراض دارید میتواند مذاکره کند

ولی رفع نواقص که راجع بمواد العاقیه میشود در این ماده نمیتوان مذاکره کرد

حائری زاده - بنده راجع باصل ماده عرض داشتم که تا مشغول وصول مالیات خالصات معلوم نباشد پذیرفتن این لایحه محل اشکال است

ما باید بنهیم که مشغول وصول مالیات خالصه کی است؟ دیگر اصلاحاتی هم که این ماده لازم داشت عرض کردم

حاج شیخ اسدالله - در جلسه قبل عرض کردم این مذاکراتی که می‌شود غالبش مربوط باین لایحه نیست بعد حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند حق این اظهار راندارید بلی در صورتیکه مذاکرات خارج از موضوع باشد جلوگیری از آن حق رئیس است

ولیکن این مطلب مانع از اظهار عقیده هیچ نماینده نیست که در موقع خودش اظهار کند که فلان مذاکره بعقیده من مربوط باین قضیه هست یا نیست و اظهار مخالفت یا موافقت میکند چون این مطلب در جلسه قبل صحبت شده بود خواستم تذکر بدهم که بنده برخلاف وظیفه خودم عمل نکردم و اگر اعتراض حضرت والا بر بنده وارد باشد همین آن اعتراض هم برخورد ایشان وارد است یعنی اگر این مطلبی حقه بنده عرض کردم خارج از وظیفه بود باز وظیفه آقای رئیس بود که جلوگیری از بنده فرمایند و حضرت والا حق ایراد نداشتید در هر حال این يك مطلبی که اشاره بآن را لازم دانستم و باز هم در تعقیب عرایض سابق خودم عرض می‌کنم متأسفانه خیلی از این مذاکرات مربوط باین لایحه نیست و خیلی متأسفم از اینکه يك پیشنهادها و يك طرح‌هایی در خصوص وضع هر قانونی با تعدیل هر مالیاتی لایحه آن به مجلس می‌آید بقدری در اطراف اوصاف می‌شود که چندین جلسه وقت مجلس شورای ملی را بغیر مشغول می‌کند و پس از تمام آن مذاکرات (که شاید بعضی از آن صلاح باشد یا نباشد و این بسته بنظر هر يك از

آقایان نمایندگان است) بالاخره بیک ترتیبی از مجلس می گذرد.

اگر این رویه تعقیب شود بنده محترم که مطالب اساسی که بعدها راجع به بودجه ها و سایر مطالب مهمه که بمجلس می آید چه حالی پیدا میکند؟

بعد از چند سال دوره فترت که باید مجلس شورای ملی بسرعت قدمهای سریعی برای اصلاحات بردارد آنوقت با این طرز صحبتها خیلی مشکل است موقوف شود بالاخره حالا مذاکراتی شده است و بنده هم بر حسب سابقه که دارم باینکه خارج از موضوع می دانم مجبورم نظرات خردم را در اطراف این مسئله عرض کنم چون راجع باین موضوع صحبت شده و سابقه پیدا کرده است عرض میکنم اگرچه دوسه روز گذشته است و کاملاً فرمایشات آقایان در نظرم نیست و اینهم يك عادت بدی است که بنده مطالب را یادداشت نمی کنم و از نظرم محو می شود ولی حالا آن قسمتهائی که در نظرم هست عرض می کنم حضرت والا شایسته سلیمان میرزا در ضمن مذاکره کلی این لایحه يك اعتراضی فرمودند که در پیشنهاد دولت عنوان اصلاح مالیاتی است و در ضمن مذاکرات در موادی که نوشته شده است گفته می شود که تعدیل حق الارض و حق السماء است بنده عرض می کنم اگر خودشان این دو پیشنهاد را مقابل هم بگذارند و ملاحظه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که ابتدا همچو ایرادی وارد نیست زیرا دولت بمناسبت عنوان مالیاتی که در پیشنهاد خودش نوشته است نظر تعدیل مالیاتی هم داشته است و به همین جهت يك سهم حق السماء قرار داده و يك سهم حق الارض و يك سهم هم بعنوان مالیات قرارداده و نوشته مالیات های طواحين چون مختلف است و بایستی در تحت يك اصل همین قرار بدیم و تعدیل کنیم و به ترتیبی که پیشنهاد نموده اند طواحينی که در ازاضی خالصه واقع و آب آب خالصه گردش میکنند سه عشر باید بدهد يك عشر بابت حق السماء و يك عشر بابت حق الارض و يك عشر بابت مالیات معموله و این پیشنهاد دولت که به کمیسیون رفته است کمیسیون مسئله تعدیل مالیاتی را کنار گذاشته و فقط در موضوع حق السماء کمیسیون نیست و نظریه کمیسیون راهم نمیدانم ولی این لوايح را که در تحت نظر می آورم اینطور بنظر می رسد که کمیسیون (همانطور که حضرت والا فرمودند) در نظر گرفته که تا صورت جمع و خرج مخصوصاً جمع به مجلس نیاید مجلس نباید بکدینار مالیات تصویب کند و بالاخره مسئله مالیات را مجزا کرد و راجع به تعدیل حق الارض و حق السماء داخل شود و يك موادی پیشنهاد کرده است و در برابر وی هم که از کمیسیون

قوانین مالیه به مجلس آمده عنوان تعدیل مالیاتی را برداشته و فقط در تعدیل حق السماء و حق الارض وارد شده در تحت يك مواد معین

دیگر اینکه در ضمن مذاکرات گفته شده که این مسئله تعدیل بر فقر و ضعف است من هم متکرم که مالیاتی وضع شود که تعدیل بر فقر و ضعف باشد بالاخص تا وقتی که بودجه جمع به مجلس شورای ملی نیامده است اما بیچاره فقرا بیچاره ضعیفا بنده هم تصدیق دارم که باید وسائل آسایش و رفاهیت فقرا را در نظر گرفت اما افسوس آیا باین ترتیب و این بیانات و بار و قبول این پیشنهاد اصلاح حال فقرا میشود بنده که تصور نمیکنم بلی در ضمن مذاکراتی که می شود يك قسمت تنقید میشود از انومبیل سوارها از اعیان از اشراف و در این زمینه يك صحبت های با حرارتی می شود ولی بنده نمیدانم مقصود از این فرمایشات چه چیز است؟ آیا مقصود این است که مملکت رو به ترقی نرود یعنی انومبیل در این مملکت موقوف شود؟ بنده که تصور می کنم حضرت والا این نظر را داشته باشند و نمیتوانم قبول کنم که این نظریه را دارند البته امروز دنیا رو به ترقی و تعالی میرود و میتوان گفت يك صنعت بایك وسائلی که از برای مسافرت و حمل و نقل ایجاد شده و اسباب راحتی مردم است و در تمام دنیا دارد رو به ترقی میرود مملکت و ملت ایران از آن محروم باشد خیر بلکه ما باید سعی کنیم و خودمان را با ملل متقدمه رسانیم و ترقی کنیم بنده که آرزو مند و امیدوارم که تمام افراد این مملکت باین وسائل سهل حرکت کنند نه بعضی دین بعضی باند راه های آهن در تمام سرتاسر مملکت کشیده شده و انومبیل زیاد در این مملکت بکار بیفتد حتی تمام فقرا هم به انومبیل سوار شوند.

سلیمان میرزا - اما مالیات هم بدهند.

حاج شیخ اسدالله - بلی مالیات هم بدهند و این چیزها يك چیز مائی است که باید تعقیب و تشویق کرد که بیشتر و زیاده تر در مملکت بکار بیفتد که موجبات ترقی مملکت و آسایش عامه مردم است این است که بنده حقیقتاً خیلی آرزو مندم که انومبیل تنها بلکه تمام ماشینهای که در دنیا هست در ایران دائر شده و بیچاره مردم ایران کمتر بضرب دست و پا زدن بشکافند و با بضرب چکش آهنگری کنند بلکه باید بواسطه ماشینهای صنعتی زحمات مردم کم شود و رفح حوائج آنها بشود بلی تصدیق دارم که باید مالیات هم بدهند اما تصور می کنم که این مطالب مربوط به تعدیل حق السماء و حق الارض نباشد اینجا فرمودند اگر مالیاتی بر طواحين بسته

شود (و حال آنکه این لایحه مربوط بوضع مالیات نیست و تعدیل حق الارض است) تعدیل بر فقر است ظاهراً تصور فرموده اند که طواحين مال فقیر و دهقان است!

نه اینطور نیست در هر جا که ملاحظه بفرمایید باز خود این طواحين بکنوع ترونی است و خود حضرت و الا هم معتقدند که باید از تروتمندان و سرمایه داران مالیات گرفته شود.

(اگر چه عرض کردم این مالیات نیست و تعدیل است) ولی باین مرام و عقیده که ایشان دارند باید معتقد باشند که این حق گرفته شود زیرا البته صاحبان طواحين بیک مبلغی طواحين را به کارگر اجاره می دهند و در هر ولایتی هم يك میزان دارد که از زارع پول آرد کردن کنند را می گیرند در این صورت چه ضرر دارد که مالک طاحونه از منافع خالص آنجا يك مبلغی هم بعنوان مالیات بدولت بدهد و با حق السماء و حق الارض بدهد البته اگر مال زارع بود بنده می گویم که این حق السماء و حق الارض را هم ندهند و آزادانه بروند و گندم خود را آرد نموده و با کمال راحتی زندگانی کنند اما افسوس که بیچاره رعیت فقیر و دهقان از این بهره محروم است و سرمایه داری که مالک طاحونه است استفاده میکند مثلاً بفرمودند که اگر مالیاتی بر مرغ وضع شود من معتقدم و همراهی میکنم جهت چیست که حضرت والا این مطلب را می فرمایند جهت این است که حضرت والا از محیط زندگانی دهقانی دورند و زندگانی دهقانی نکرده اند و سال ها عمر خود را با دهقان صرف ننموده اند آنها بیکه با خاک بازی کرده اند و بادست خود زمین را شخم نموده اند و با گاو و گوسفند بسر برده اند (چون يك قسمت از عمر من هم اینطور بود) بهتر می دانند که مرغ که يك راه معاش است از برای آن دهقانان بیچاره است که بیچاره دهقان يك بز یا يك میش یا دوسه تا مرغ دارد و بیچاره از بر تو همانها تعیش و زندگانی می کند اگر اطفالش مریض شوند از تغذیه جوچه آنرها باید دوا و غذا برای هر طفلش تهیه کنند من خیلی متعجب هستم که حضرت والا می فرمایند از مرغ باید مالیات گرفته شود و خیلی تعجب میکنم که برخلاف مرام خودشان حرف میزنند

حالا جهتش چه چیز است که این فرمایشات را فرمودند؟ جهتش این است که از محیط زندگانی دهقانی دورند و مانوس نیستند و طریق آسایش و آسودگی دهقان را نمی دانند ملامت و مذمت هم ندارد البته باید سعی کرد که و سائل راحتی و آسایش را فراهم آورد ولی باید دید که از چه راه و سائل راحتی او بعمل می آید آیا راحتی

او در این است که بر مرغ مالیات بگذارند؟ نه بلکه برعکس اگر بشود باید بعضی از موارد دیگر راهم از دوش آنها برداشت و همچنین حضرت والا در ضمن فرمایشاتشان فرمودند که من آرزو مندم و در مرام من است که هر روزی بقرانم املاک خالصه را بوسیله بانک فلاحی بر عایا تقسیم بکنم بنده عرض میکنم آقای من اول باید قدم بقدیم اسباب راحتی و ثروت برای رعیت فراهم کرد بعد ملک رعیت داد اگر امروز بشواید این مرام را تعقیب کنید بنده عرض می کنم قطع نظر از اینکه برخلاف اصول تمام مذاهب و ادیان دنیا است و برخلاف مسالک تمام عقلائی عالم است که اصول مالکیت برداشته شود حالا . . . آقای حائری زاده فرمایشی دارند؟

حائری زاده - خیر عرضی نداشتم.

سلیمان میرزا - این مسئله شرعی است؟

حاج شیخ اسدالله - از اومی گندم و صرف نظر می کنم و وارد می شوم در مرحله عقلی اگر بشا شد امروز املاک را دادیم به دهقان آنوقت آیا دهقان میتواند از عهده اداره کردن آنها بر آید؟ خیلی زود است و هنوز هم دیر نشده است خوب است آقایان نظری به مسایه شمالی مابین که با آن بزرگی و عظمت بواسطه همین سوء تدبیری که بخرج دادند همین ایام است که دارد میلیون ها از اهالیش تلف می شود و همینطور نتوانسته اند که..

رئیس - يك قدری دارید از موضوع خارج می شوید آقای سلیمان میرزا نکته که املاک خالصه را بلاعوض و بدون قیمت ب مردم بدهند هیچکس هیچ حرفی نزده و هیچکس هم نمی تواند در این مجلس اینطور عقیده داشته باشد

(گفته شد صحیح است)

شیخ الاسلام اصفهانی - املاک خالصه را گفته اند نه املاک اداری را.

حاج شیخ اسدالله - اما فرمودند املاک خالصه را بوسیله بانک فلاحی بر عایا بفروشد حال فرض می کنیم فروختیم (ولی دولت هم آزاد است و می تواند بدون پول بآنها بگذارد کند) آنوقت آیا اصلاح رعیت است؟ می تواند از عهده اداره کردن آن بر آید؟

بعقیده بنده فعلاً نمی تواند اول باید مقدمات و سائل کار برای آنها فراهم شود باید اول امنیت و آسایش پیدا بکنند پس از آنکه يك وسائلی برای اداره کردن او فراهم شد آنوقت اگر همچو کاری بکنیم خیلی خوب است و املاک او هم آباد می شود و بالاخره در این زمینه بنده زیاده تر از این می خواستم عرایضی

بکنم، ولی حالا که آقایان زیاد مذاکره کردند و وارد شدن در این مرحله را صلاح نمی دانند لهذا بر می گردیم باصل موضوع و مطالبی را که در نظر داشتیم چون حس می کنم بر خلاف نظریات آقایانست عرض نمی کنم.

این جا يك لايعه تبدیلی نسبت به حق السماء و حق الارض داده شده است که طواحينی که در اراضی خالصه یا در مجرای قنوات خالصه ساخته شده و یا بعد بسازند دولت با آنها چه نوع معامله بکند؟ آیا حق السماء بگیرد یا حق الارض بگیرد؟ یا نگیرد؟ و اگر تصدیق کردیم که بگیرد بچه ترتیب بگیرد؟

یعنی از يك محل دوعشر و از يك محل يك عشر و از محل دیگر سه عشر اینکه خیلی بی ترتیب است پس باید در تحت يك اصول معینی باشد و حالا در این زمینه این لايعه را نوشته و فرستاده اند و به کمیسیون رفته و مرتب شده و راپورت داده اند که اگر هر آینه کسی در زمین خالصه طاحونه بپا کند و از آب خودش آن آسیاب گردش کند يك عشر بابت حق الارض بدهد و اگر از آب دولت می گردد يك عشر بابت حق الارض و يك عشر بابت حق السماء بدهد چون در این مدت پیشکاران مالیه بطور بی نظمی و در تحت يك فشارهایی از مالکین پول می گرفتند و جزو جمع صحیحی در دست نداشتند و بشقاوت و سختی می گرفتند و اسباب مزاحمت مالکین می شدند ایست که دولت در نظر گرفته و کمیسیون هم تصدیق کرده که مرتب شود که يك عشر از بابت حق الارض و يك عشر از بابت حق السماء بدهند و این هم خیلی ساده است و يك تحمیل فوق العاده بر کسی نیست بنده خودم هم اگر صاحب چنین آسیابی بودم با کمال میل يك عشر را می دادم ولی افسوس که ندارم و آنهایی که دارند البته با کمال میل يك عشر را می دهند چون اسباب آسایش آنها است و باید خیلی راضی و خوشوقت باشند و يك تحمیل فوق العاده نیست و باید مالیات بدهند و آن آسیاب خودش يك سرمایه است و سرمایه دار هم مالك آنست نه زارع و دهقان بدبخت که میگوئیم تحمیل می شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالف اند؟

آقا سید یعقوب - بلی بنده مخالفم و نمی خواهم وقت مجلس را در خارج از موضوع صرف کنم.

بنده نظرم این است که در این ماده اول می نویسد (از عایدات خالص طواحينی که در اراضی اربابی واقع شده و با آب خالصه کار می کنند يك عشر بابت حق السماء دریافت می شود) اولاً رفع اشتباه بنده شد زیرا آنروز گفتند که فرق است مابین مالیات

طواحينی که جزو مستغلات است با آن حق که در آسیاب های واقع در املاك خالصه برای دولت است.

این را بنده ملتفت شدم لکن بنده می خواهم عرض کنم که حق السماء را يك عشر و حق الارض را يك عشر قرار دادن زیاده می دانم و صد پنج را نسبت بحق الماء و حق الارض هم صد پنج و حق مستغلات را هم صد پنج کافی می دانم و هر کدام يك عشر زیاد است.

باین معنی که اگر يك آسیابی در ملك خالصه است و با آب خالصه هم گردش میکند باید صد یا نود مالیات بدهد و اگر حق آب تعلق نگیرد صد ده بدهد و اگر آب و زمین هیچيك مال دولت نباشد صد پنج بدهد.

دیگر بنده در آن چیزهایی که آقای حائری زاده بیان کردند که مجری این قانون کیست وارد نمیشوم

يك قانونی از وزارت مالیه آمده است و ما نظر داریم که در او مذاکره کنیم حالا مجری او کیست؟

مجلس که مداخله در قوه مجریه نمی کند ما وزارت مالیه را ما مجری اجرای مالیات میدانیم اهم از مالیات مستقیم و غیر مستقیم و هر وقت هم سؤالی داریم ایشان را مورد سؤال قرار بدیم بالاخره نسبت بطواحينی هکده بنده همان صد و پنج است یعنی حق

الماء صد پنج حق الارض صد پنج حق مستغلات هم صد پنج و این را هم معش اطلاع و رفع شبهه آقای حائری زاده عرض میکنم که این يك عشری که برای حق الماء قرار داده اند در صورتی است که آن آسیاب کاملاً با آب دولت گردش بکند و مقصود این نیست که هزار يك از آن قنات را دولت مالك باشد و اگر دولت سهمی در آن آب داشته باشد حسب السهام مطابق سهمی که سایرین میبرند دولت هم همانقدر خواهد برد و نه اینکه يك عشر بعقیده کمیسیون و صد پنج بعقیده بنده را دولت دریافت کند مطابق هر چه که سایر مالکین آب می برند دولت هم مطابق حق سهم خود خواهد برد نه بیشتر

رئیس - آقای گروسی حتماً مخالفند؟

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بلی.

رئیس - آقای مستشار السلطنه چه طور؟

مستشار السلطنه - موافقم رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - بنده تصوری

کنم که این يك قدمی باشد که دولت و وزارت مالیه برای تعدیل مالیات برداشته باشند و این لايعه فقط برای این است که مجلس شورای ملی يك تصمیمی بگیرد که مالیاتهایی که عیناً مال مالیاتی به

هناوین مختلفه از مردم می گیرند هم تکلیف مامورین دولت و هم تکلیف مودیان مالیاتی در پرداخت عوارض دیوانی معلوم باشد لکن اگر بنده مخالفتی داشته باشم از این نقطه نظر است که دولت در انشاء عبارت آن مخصوصاً اولیاء وزارت مالیه يك سوء تعبیر انشائی بخرج داده و اسمش را مالیات گذاشته اند و البته آقایان رفقای بنده در مرام سیاسی خودشان قسمت دهم را در نظر دارند و اگر مقتضی باشد بنده هم متعرض قسمت دهم میشوم

(قسمت دهم - اجتناب از برقرار کردن مالیاتها و تحمیلات و عوارض جدید برای احتیاجات مملکتی مادام که تقریباً کاری فعلی مرتفع نشده است) و گویا نظر سایر آقایان هم همین است و فقط بنده لفظ مالیات را در این لايعه زیاد می دانم چون فرض دولت ایجاد يك مالیاتی نیست بلکه مقصود این است که همان عوارضی معموله که طاحونه های قدیمه می دادند بدهند منتهی با يك اصول و ترتیب منظمی و يك هده از طواحين جدید البتائی که در اراضی دولت تاسیس شده و میشود و از آب دولت استفاده میبرند تکلیفشان معین گردد و بین مودیان قدیم و جدید يك تعدیلی بشود و مجلس شورای ملی باید از بین صاحبان طاحونه رفع اختلاف کند که اگر باید مالیات را بپردازند تمام طواحين قدیم و جدید هر دو بتساوی به بپردازند و حالا که آقایان رفقای محترم بنده در مذاکراتشان از موضوع خارج شده و ایراداتی میکنند بنده هم جرات نموده و تذکر میدهم البته هیئت دولت هم توجه خواهند داشت که مجلس شورای ملی بعد از ۶ سال ایام فترت مطالب مهمه زیادی دارد که شاید مهمتر از مسئله مالیات طراحين باشد

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

آقا شیخ محمد حسن گروسی -

لوايحی که از طرف دولت به مجلس می آید هر چند در آن لايعه تحمیلات و قرار داد مالیاتی شده باشد بعقیده بنده قوه مقننه نباید در نظر بگیرد که چون سابقه دارد مادر مقام تعدیلش بر آئیم و اولاً باید در نظر گرفته شود که آیا صلاحیت دارد یا کاری بقاءعه بوده است عرض میکنم اختیارات دولت از خالصجات اختیارات مالکی نیست و بواسطه اینکه دولت زمامدار امور مملکت است باید مصالح عمومی مملکت را همیشه مراعات کند نه اینکه مثل بسیار مالکین اراضی را بر عایا اجازه داده یا آب زیادی که دارد بفروشد و هر چه فایده و دخل است آنرا تعقیب بکنند و از رعیت بگیرند بلکه باید هم جنبه فائده و هم جنبه مصالح مملکتی را ملاحظه کنند و در این مطلب تردیدی نیست که طاحونه مثل حمام و پل

و کاروانسرا ما بهنجار عمومی است و هر نقطه که محتاج هستند باید دولت يك طاحونه بسازد حالا من باب اتفاق بواسطه دخل و فایده هسته دارد بعضی از مالکین يك طاحونه بپا میکنند اگر و اثر نمیشود کسی اقدام نمیکرد چون دخل ندانست کی باید این طاحونه را بسازد.

البته وظیفه دولت بود که در نقاط لازمه طاحونه برای آسایش اهالی مملکت بسازد و پرواضح است که دولت باید نظرش برای دلسوزی اهالی مملکت باشد نه برای فایده و در صورتیکه دولت خواسته باشد يك مبلغی از آن شخص بگیرد بالطبع آن شخص هم بخرم معمولی آسیاب اضافه میکند بنابراین این تعدیلی است بر اشخاصی که احتیاج به آسیاب دارند و از آنها گرفته می شود و در این موقع اگر باسم حق الارض حق السماء دولت هم آن اندازه بگیرد که مالك میگیرد البته آن يك تعدیلی است از طرف دولت بسایرین و برخلاف وظیفه دولت است که باید مصالح عمومی را همیشه در نظر داشته باشد این است که بنده این مالیات را صحیح نمی دانم ولو اینکه اسمش حق الارض یا حق السماء بگذاریم

رئیس - آقای سردار مفخم مخالفند؟

سردار مفخم - بلی

رئیس - آقای زنجبانی چه طور؟

آقا شیخ ابراهیم زنجبانی - بنده هم یکدرجه مخالفم.

رئیس - آقای سلطان العلماء مخالفند؟

سلطان العلماء - بنده هم يك درجه مخالفم

رئیس - آقای قمی موافقت؟

آقا میرزا ابراهیم - خیر بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای دولت آبادی چه طور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

مدرس - مثالی است معروف میگویند

يك مادری بچه داشت بچه اش گفت قربان چشمهای بادامیت بروم بچه گفت نه جان من بادام می خواهم. حالا مطالب در حقیقت این قسم شده است در مجلس شورای ملی يك مناسبات خیلی حقیقی يك مطالب عالی گفته میشود بعقیده من چون اول سال است انشاء الله باید در این مسئله يك ترتیب داد که بزودی کارها بگذرد يك لايعه دولت پیشنهاد فرموده اند که مشتمل بر دو مطلب